

- ۵ -

## علی آباد نامه

یا

## سفرنامه ذهابیه قم

راه قدیم قم بدری - که از درب ری در شمال شهر کهن قم آغاز می‌شده - بنا بر آنچه در کتاب‌های مسالک و معالک قدیم دیده می‌شود از کنار روستای قمرود می‌گذشته و با فاصله دیه کاج به کویر حوض سلطان می‌رسیده و از آنجا تاری دو مرحله راه بوده است . دیر گچین یا دیر گردشیر - که بنایی عظیم و در روزگاران پیش از عجائب فن به‌شمار بوده و یاد آن در بسیاری از کتاب‌های قدیم آمده - میان این راه قرار داشته است (۱) .

راه میان این دو شهر قرن‌ها منحصر به این راه هموار و بی فراز و نشیب بود تا آن‌که در اواخر دوره قاجار که سرنوشت کشور و مردم آن دستخوش اغراض و اهواء و تجاوزات گروهی «رجال» متعددی و زورگو بود راه میان دو شهر به جاده‌ای دشوار که بیج و تاب و فراز و نشیب بسیار داشت و بیش از هفت فرسخ از راه پیش دورتر بود (۲) تغییر داده شد .

- ۱ - اصطخری : ۱۳۴ / ابن حوقل : ۳۴۱ / مقدسی : ۴۹۱ و ۴۰۱ / معجم البلدان ۴ : ۳۹۷ / آثار العباد : ۳۷۱ / نسائم الاسحار : ۶۸ و جز اینها .  
 ۲ - جنگ شماره ۱۶۲ کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی - قم :

سرگذشت پدید آمدن این راه جدید آن است که میرزا ابراهیم امین السلطان - صدر اعظم پایان قرن سیزدهم - املاک و متعلقاتی چند مانند قلعه محمدعلی خان، علی آباد، کوشک نصرت و منظریه و جزاینها در مناطقی دور از راه قدیم داشت که به خاطر پرت بودن از جاده بی بها بود. امین السلطان برای آبادی املاک خود تدبیری اندیشید و به عنوان تسطیح و تعریض راه قم - تهران و آماده ساختن آن برای عبور کالسکه، با خرج دولت راهی جدید از تهران تا قم به سبکی ساخت که از کنار همه املاک او می گذشت و از این رومسافتی پیرامون هفت فرسخ رایبوده گرد کویر حوض سلطان دور می زد و در چند فرسخی شهر به راه قدیم می پیوست. پس از آن برای دائر ساختن این راه عبور از جاده قدیم را ممنوع داشت (۱).

حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملك که در ماه رمضان سال ۱۲۹۹ کازا حداث این جاده را از نزدیک دیده است بی توجه به فلسفه واقعی آن در سفرنامه خوزستان خود می نویسد :

«از تغییر دادن جاده خیلی حیرت نمود... اولین شرط راه سازی این است که ناممکن شود نباید عدول نمود از جاده کویده چند هزار ساله و راه ساخت در بیابان سست که تابستان از خشکی و گرد و غبار نمی توان از آن عبور کرد و زمستان از کثرت گل و باتلاق. خوب جاده قدیم که چندان اعوجاجی نداشت و بفرض قلیل اعوجاج هزاران مرتبه ترجیح داشت بر این راه های تازه. به علاوه آبادی های که در کنار این راه افتاده باید از همگی چشم پوشید و تازه در کنار راه جدید آبادی ها ساخت و خسارت ها کشید. این فقره چون خیلی از قاعده راه سازی خارج بود لابد اشاره نمود» (۲).

ناهمواری و دشواری و وضع ناگوار این راه جدید چنان بود که در بسیاری

۱ - رساله حاضر : ص ۶۱ نسخه اصل .

۲ - سفرنامه خوزستان : ۱۸۲ .



نوشته‌های این دوره بدان اشاره رفته و حسین‌خان معلم فوج پیاده نظام رساله‌ای مستقل در وصف آن به نام سفرنامه قم (چاپ شده در شماره ۷۰۶ سال ششم مجله راهنمای کتاب) نگاشته است .

گفتنی تر آن که چون با وجود منع اکید، برخی کاروانها به خاطر ناهمواری و دوری راه از همان جاده قدیم تردد می نمودند (۱) به دستور میرزا علی اصغرخان امین السلطان دوم رودخانه شور قم و سواره راه کویر حوض سلطان که ممر کاروانها و مسیر راه قدیم بود سردادند . در نتیجه در زمانی کوتاه کویر بدریاچه‌ای بزرگ تغییر یافت که هنوز نیز باقی، و یادگار زورگویی این وزیر مقتدر دوره ناصری و مظفری است . طرفه آن که با همه تمهیداتی که به منظور پنهان داشتن حقیقت این ماجرا و تلقی آن به عنوان رویدادی طبیعی به کار رفت (۲) واقع حال از نخست برهنگان آشکار بوده و یاد آن به همین صورت در بسیاری از نوشته‌های آن دوره آمده است (۳) .

اقدام اسف آور دیگری که در اجرای طرح تغییر جاده معمول گردید و آن زادر حد خود باید جنایتی بزرگ خواند ویران ساختن بنای باستانی و بسیار مهم «دیرگچین» - برای استفاده از مصالح ساختمانی آن در بنای مهمانخانه

۱ - همان جنگ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی : برگ ۸۲ ر .

۲ - سفرنامه قم افضل الملك : ۳۷ - ۳۹ و ۴۴ نسخه ۶۹۷ مجلس /

المآثر والاثار : ۱۲۴-۱۲۵ / رساله حاضر : ۵۹-۶۴ نسخه اصل .

۳ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه : ۵۵۶ چاپ اول و ۶۳۵ چاپ

دوم / جنگ ش ۱۶۲ کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی از علی اکبر فیض : ۸۱

پ - ۸۲ ر / خاطرات و اسناد ظهیرالدوله : ۶۲ / زندگانی من مستوفی : ۱

۱۳۸۹ / یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، معبر الممالک : ۱۱۰ /

جنگ افضل الملك : ۷۸ ر نسخه ۶۲۴ کتابخانه ملک .

نیز ببینید : تذکره جغرافیای تاریخی ایران ، بار تولد : ۲۳۴ .

علی آباد متعلق به امین السلطان - بود که به گفته حاجی نجم الملك (۱) مانند هفت مدرسه اصفهان و دو برجری از دست رفت.

\* \* \*

میرزا علی اصغر خان امین السلطان به سابقه مدفون بودن مادر خود در قم سالیک بار به این شهر سفر می نمود (۲). رساله حاضر وصف یکی از سفرهای او به قم است که متضمن وصف دقیق همین راه احدائی و منازل میان آن (۳)، و در جهت و مسیر تبلیغاتی است که به منظور پنهان داشتن و توجیه و «لوث» زورگویی و تعدی آشکار او در این مورد انجام پذیرفته است.

این رساله سرگذشت و شرح وقایع چهارروز آغاز سفر مزبور است که از شنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۴ تا یکشنبه ۲ ربیع الاول به طول انجامیده (۴) و آن را یکی از وقایع نگاران دستگاه او که در این سفر همراه وی بوده نگاشته و «علی آبادنامه یا سفرنامه ذهابیه قم» نام داده است.

این اثر به خاطر وصف تفصیلی راه جدید و منازل آن به هر حال از مآخذ تحقیق پیرامون وضع جغرافیایی و تحولات قم در دوره قاجار شمرده می شود و

۱ - سفرنامه خوزستان: ۱۱۸۱، رساله حاضر: ۵۴ و ۲۵ - ۵۵ نسخه اصل.

۲ - روزنامه خاطرات: ۸۸۷ ج ۱ و ۷۷۵ ج ۲. در برخی احکام او نیز به موضوع سفر هر ساله اشاره شده است از جمله در حکمی مورخ ۱۲ رجب ۱۲۰۷ مربوط به تولیت مقبره معتمدالدوله (تربت پاکان: ۳۰۷).

۳ - در سفرنامهها و یادداشت نامههای دوره مظفری و ناصری و پس از آن نیز وصف این منازل هست از جمله در نسخه ش ۳۰۴۶ مجلس: ص ۲ - ۸. اعتمادالسلطنه نیز آر تیکل مفصلی در تمجید بناهای امین السلطان در این راه نوشته بود (روزنامه خاطرات: ۹۲۹ ج ۱ و ۸۱۲ ج ۲).

۴ - روزنامه خاطرات: ۴۶۴ - ۴۶۵ ج ۲. اصل رساله پس از بازگشت از سفر تدوین شده و درجایی از آن (ص ۵۱ نسخه اصل) از نکته ای که در بازگشت روشن شده بود یاد می شود.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به تاریخ شب شنبه شانزدهم شهر صفر المعظم ۱۳۰۴ بنا برقراری

که قبل از این شب جناب اجل اکرم افخم اعظم آقای امین السلطان صانه الله عن آفات المحدثان به طور مخفی با جناب مستطاب اجل اکرم افخم وزیر علوم ادام الله اقباله وافضاله گذارده بودند از خوف کثرت واجماع اشخاص طماع این بود که جناب اجل در خانه سقا باشی بیتوته فرمایند و اشخاص معدودی که باید همراه باشند آنجا حاضر شوند و اول صبح شنبه شانزدهم از آنجا به عزم زیارت حضرت معصومه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام حرکت فرمایند .

جناب اجل اول شب به خانه سقا باشی تشریف بردند از همراهان معهود آقای ناظم خلوت و میرزا محمدخان وحاجی کر بلائی همان جا حاضر شدند. تا ساعت چهار جناب اجل اشتغال به نوشتن و خواندن احکام دولتی و عریضه جات از باب حوائج و جواب آنها داشتند به طوریکه نه توجه به طرفی و نه تکلم با کسی می نمودند. بعد از ساعت چهار به اصرار ناظم خلوت که گفتند فردا صبح باید سفر کنیم و خورد و خفتی لازم است جناب اجل شام خواستند ، شام حاضر شده با حضار صرف نمودند .

بعد از فراغت از شام جناب امین الملک و آقای صاحب جمع از خانه آقای هدایت که مجلس روضه خوانی و تعزیه داری بوده آمدند خدمت جناب اجل ، بعضی دستورالعملها و سفارشات و اهتمام در کارها به جناب امین الملک و آقای صاحب جمع فرموده مرخص شدند .

پس از آن جناب اجل با همراهان حاضر استراحت فرموده نیم ساعت قبل از طلوع فجر برخاستند سینه دردی برایشان عارض شده که توانایی تنفس نداشتند.

تا آن که به بعضی ملینات تسکین شده ، اول طلوع فجر جناب مستطاب وزیر علوم تشریف فرما شدند بانهایت استعداد و آمادگی در مسافرت . تا ادای فریضه صبح شد همراهان حاضر شدند. اشخاصی که در این سفر مهمان جناب اجل هستند : جناب مستطاب وزیر علوم ، آقای ناظم خلوت ، آقای میرزا حسین معین ، آقای میرزا محمدخان ، حاجی محمد حسن امین دارالضرب ، حاجی میرزا حسین معین ، آقای میرزا احمد منشی باشی ، حاجی کربلانی ، آقای میرزا سید حسین مداح کرمانی .

تقریباً سه ربع قبل از طلوع آفتاب از خانه سقا باشی بیرون آمده. سه کالسکه يك دلبران يك گاری حاضر شده ، کالسکه ها هر يك چهار اسبه بسایك نفر کالسکه چی . جناب اجل - جناب وزیر علوم - آقای ناظم خلوت - میرزا محمدخان در يك کالسکه ، حاجی امین دارالضرب - حاجی میرزا حسین - آقای میرزا احمد منشی باشی در يك کالسکه ، حاجی کربلانی - میرزا سید حسین در يك کالسکه نشسته . حضرات خدام در دلبران ، مایحتاج ملزومه به قدر ضرورت در گاری گذاشته شده ، هنگام حرکت حاجی امین دارالضرب چون حاضر نشد به طلب او کسی را فرستادند که به حضرت عبدالعظیم ملحق شود. کالسکه ها حرکت کرده به راه افتادند ، اندک زمانی نگذشته به حضرت عبدالعظیم رسیدند همگی پیاده شده به زیارت مشرف گردیدیم . حاجی امین دارالضرب ملحق شده از آنجا روانه شدیم .

خط جاده از حضرت عبدالعظیم تا مسافت هزار قدم به جانب مغرب امتداد دارد بعد از آن به طرف جنوب متمایل است . تا دو فرسخ قرائی که دیده میشود ابتدائاً قریه مبارک آباد سمت غربی جاده ، بعد قریه دولت آباد کوچک طرف شرقی . این دولت آباد قبل از این به جز از اضی مزروعه از او چیزی دیده نمی شد ولی در این اوان که به میرزا عبدالله خان سپرده شده قلعه ای با بعضی بساتین در او احداث نموده . خط جاده قبل از این از محاذی این قریه دولت آباد مستقیماً به کهریزك امتداد داشته از طرف جنوب غربی قبلی ، اکنون میرزا نظام راه را برگردانده به نقطه حقیقی جنوبی امتداد داده .



از مقابل قریه دولت آباد گذشتیم محاذی قریه پیشین شدیم که نبرد طرف شرقی جاده است. این قریه از خالصات دیوانی و به اجاره سقا باشی. از در این قریه خیابانی است که طرفین او به اشجار بیدمشجر متصل می شود به جاده دولتی. جناب اجل مقابل این خیابان امر فرمودند که کالسکهها مکث کرده کدخدایان و سایر رعایا را خواستند و سفارش در امر بذر افشانی آنجا شده، چند نفر سوار آنجا حاضر شدند بعضی احکام مکتوبه از بغل در آوردند و به آن سوارها دادند، فرمودند من می روم به قم شماها بهورامین رفته بذر افشانی و تخم کاری آنجا را اعم از خالصه و از بای می منضبط نمایید که پس از معاودت از قم فارغ شده باشید.

بعد از آن از آنجا روانه شدیم تا رسیدیم محاذی فتح آباد که در طرف غربی جاده بود. آنجا مرغ آبی فراوان دیده شد. فتح آباد ملکی آصف الدوله جزو چهار مزرعه است. الحق قریه خوب آبادی است. باز به قدر یک میدان از این جا گذشتیم به کریم آباد حاجی محمد صادق تاجر محاذی شدیم در طرف غربی جاده.

از آنجا گذشتیم به قدر یک میدان به محمود آباد خالصه رسیدیم که بتول ملک الاطباست. آنجا باغ خوبی احداث شده. این قریه نیز در طرف غربی جاده است. از این جا مستقیماً بقدر نیم فرسخ به جانب جنوب طی مسافت شد پس به ابتدای دامنه کوه گناره گرز رسیدیم. از آن نقطه خط جاده به طرف مغرب میل کرده، افتادیم در دره ماهور کناره گرد.

دیگر قریه ای دیده نشد مگر در سمت جاده علی آباد به نظر در آمد که متعلق به عیال آصف الدوله است و بلوک غار آنجا منتهی میشود. اما خط راه بر روی تلی است که دوشان ته دیده گردید. دیگر تا کهریزک همه دره ماهور و پستی و بلندیست و به فراز و نشیبهایی عبور کردیم که راه در نهایت صعب شد به حدی که کالسکهها را مینار کردند تا گذشتیم. خط جاده قدیمی که میرزا نظام معطل کرده و این راه صعب را بنا نموده هزار قدم بالاتر، اگر همان خط به کار بود



نه این صعوبت در راه وهم يك فرسخ نزدیک تر می بود. اما این جاده اخراجات زیاد دارد تارفع صعوبتش شود.

خلاصه از این طریق غامض سخت گذشتیم تا به کهریزك رسیدیم. قریب به مهمانخانه کهریزك کاروانسرای بادکان بقالی دیده شد که پنج نفر قراسوران خاک تهران آنجا بودند بالباس های مندرس که به وصف نمی آید. اسب هاشان به طوری لاغر که قوه حرکت نداشتند. از آنها سؤال شد که این چه حالتی است؟ گفتند ما مأخذ میشتی نداریم به جز جیره و مواجب، و بمانه جیره می رسد و نه مواجب. گفتیم چرا تفنگ ندارید؟ گفتند تفنگ ها نزد بقال گرواست! نه ما را می گذارند بر سرخانه خود رویم و نه نان و نه آب و علیق بمانی دهند. در این صورت چگونه میتوانیم حافظ راه باشیم؟

باز گفتیم پس چگونه معیشت می کنید؟ گفتند این جاها مرغابی و بعضی طیور دیگر هستند حضرات فرنگی ها اینجا به شکار آمده ما آنها را خدمت می کنیم آنها گاهی معیشت ما را متحمل می شوند.

حاجی امین دارالضرب حاضر بود به ایشان گفتند بنا بر این خوب است دزدی کنید! یکی از آن ها به رسم ترکان - که هر وقت فارسی می گویند ضمیر متکلم را به طور خطاب ادا میکنند - گفت اگر دزدی کنیم پدرت را می سوزانند! همراهان همه خندیدند که حاجی را من غیر مقصود شخص قراسوران فحش داد. پس داخل مهمانخانه کهریزك شدیم. این مهمانخانه سمت مغرب جاده واقع است. اطاق های مهمانخانه رو به مشرق، جلو اطاق ها ایوان که شش پله چارکی خورده بالا میرود. ارتفاع کرسی عمارت يك ذرع و نیم، ایوانها یازده دهنه: چهار کوچک که عرض هر دهنه يك ذرع، و شش دهنه بزرگ تر عرض دو ذرع و چارک، دهنه وسطی سه ذرع. روی این دهنه وسط سه میل سه چارکی از آجر و گچ ساخته شده.

لازم است که شه ای از بنا و بنیان این عمارت مهمانخانه ذکر شود: تمام این عمارت چینه کشی است چه اطاق ها و چه اصطبل ها و انبارها. روی

چینه‌ها باخشت طاق زده‌اند. باری عمارت مشتمل است بر ده اطاق از اطاق‌های مسکن و قهوه‌خانه و آشپزخانه. تمام اسباب ملزومات مهمان‌خانه مثل تخت‌خواب و صندلی‌ها و درخت‌خواب و فروش و پنوها و شمشها و اسباب نوال و آفتابه‌لگن برنجی و سماور با ظروف متعلقه آن و اسباب چراغ از لاله و لامپا از نمره‌های اعلی، و دیوار کوب‌ها و کتاب‌های دعا و کلام الله مجید و حافظ و سعدی و کتاب سفید نمره‌دار رضانامه. آینه‌های بزرگ، ماهوت پلاکن‌ها، اسباب میز خوراکی، ظروف چینی چهارده دست، کار دوچنگال، اسباب قهوه‌خانه، اسباب آشپزخانه، مسینه آلات و غیره، اسباب اصطبل و کالسکه‌خانه، همه موجود و مهیا. پشت این عمارت حیاطی است از سه طرف اصطبل و کالسکه‌خانه و انبارها. در وسط حیاط آب‌انباری است.

لیکن وضع حالی عمارت: سقفی یادگاهی دیده نشد مگر خراب و شکست خورده، آب انبار وسط حیاط فقط زمین را گود کرده‌اند و روی آنرا بانیمه آجر طاقی زده‌اند یک لایی، هیچ آهک و ساروجی بکار نرفته که آب بندی شود یا دوامی کند. تصور کنید مهمان‌خانه دولتی به این طریقی شود بنا کرد و دایر داشت؟ خلاصه ما پس از تجسس و تماشا دیگر جرأت مکث نکردیم ترسان و لرزان بیرون آمدیم. تعجب است که چرا باید به این قلب و خلاف تهندس مهندس و سرکار به سزای خود نرسد. در نفس الامر در این مهمان‌خانه هر که بیتوته کند کمال جرأت و جسارت نموده.

از این مهمان‌خانه کالسکه‌ها به حرکت آمده روانه حسن آباد شدیم. خط جاده از اینجا دیگر به جانب جنوب غربی امتداد یافته. اولاً این جاده از لشاب و نی‌زار میگذرد اکنون که در غیر زمستان است گل و باتلاق و افر دارد و عبور از اینجا صعب است پس در وقت زمستان عبور از این مورد به طریق اولی در نهایت اشکال خواهد بود.

از این مورد به قدر نیم فرسخ که گذشتیم به پل گرج رسیدیم. این پل یک چشمه است از گچ و سنگ ساخته شده و طاق زده‌اند. با اینکه جدیدالبا است



چندین شکست قبیحی خورده . آنچه بنظر رسید دوام این پل زیاده از يك سال نخواهد بود . هر که با کالسکه عبور کند لابد باید پیاده شود .

بعد از آن بقدر هزار ذرع که گذشتیم به پل دیگر رسیدیم این پل نیز خراب بود . از این پل تا دو بیست ذرع دیگر که طی مسافت شد از اعوجاج و جوهای بد چه بیان کنم .

از اینجا که رد شدیم به دماغه کوه گناره گرد رسیدیم . خط جاده از این مورد بجانب مغرب امتداد دارد . پس از آن وارد تلال و وهاد کوه گناره گرد شدیم . از سه قمره تلال و وهاد گذشتیم . پس خط جاده در مسیل واقع شده و بکلی راه محو و ناپدید شد . از معایب این جاده این است که اگر عابری در شب تار از اینجا عبور نمایند با کالسکه یا بکی کالسکه با لقطع راه را گم میکنند و در دره ماهورها می افتند .

از اینجا که عبور میشود خط جاده بصحرای وسیعی میرسد و بجنوب و کاروانسرای حسن آباد جدیدالبناء دیده میشود . نزدیک کاروانسرا پلی است که نیز تازمه ساخته شده از بناهای میرزا نظام که الحال شکست خورده خراب است . باید بکلی منهدم نموده و مجدداً بسازند چون وقت عبور خطر ناک است .

### حسن آباد :

از این پل که گذشتیم به کاروانسرای حسن آباد رسیدیم . در قهوه خانه واقعه محاذی کاروانسرا پیاده شده ، جلو این قهوه خانه باغچه سبزی گل کاری شده مشجر به چند اصله ید که خالی از صفا نبود با حوض مدوری در وسط مملو از آب و در جنبین قهوه خانه دو اطاق که در دو اطاق در ایوان جلو قهوه خانه گشوده می شد و پهلوی قهوه خانه عمارتی بنا نموده اند که مشتمل است بر دو اطاق و دو صندوق خانه و انبار بزرگی و اصطبل که سی رأس اسب گنجایش بستن داشت با بهار بند بزرگی .

از حاجی امین دار الضرب سؤال شد که اینجا را برای چه بنا نمودید؟ گفتند به جهت اینکه قرا سورانها در کاروانسرای جدید منزل کرده بودند و این

معنی اسباب زحمت زوار و عابرین و کاروانیان بوده اینجا را مخصوصاً برای آنها ساختم که بعد ازین قراسورانها داخل کاروانسرا نشوند تا مردم راحت و آسوده باشند.

این عمل بسیار لازم و بجا اتفاق افتاده زیرا که قبل از این در کاروانسراهای منازل، قراسورانها منزل می کردند و اسباب بسیار فتنه و فسادهای شد بلکه زیاد اسباب زوار و کاروانیان مفقود می شد پس از رسیدگی مبدأ فساد و فقدان، منزل نمودن قراسوران بود در کاروانسراها.

دیگر مقابل این غلامخانه انبار و عمارتی دیگر ساخته شده که مخصوص است برای ذخیره کاه و جو و هیزم و سایر ملزومات عابرین. و در جنب این انبار يك دكان معتبر بسیار بزرگی که مشتمل است بر سه دكان بقالی و نانوايي و علفانی با چند انبار وسیعی همه مسقف و محکم، و در مقابل این دكان و انبار يك آب انبار بسیار بزرگ مربع مساوی الاضلاع چهارده ذرع در چهارده ذرع، و پنج ذرع و ونیم عمق تماماً از آجر سفید قالب بزرگ با آهک و ساروج ساخته شده و روی آن سکوی مسطحی بنا شده که مسجد است و مشتمل به دوراهرو و بایک بادگیر مرتفعی.

اما کاروانسرا در طرف غربی جاده و قهوه خانه در جانب شرقی واقع است و غلامخانه و انبار در طرف جنوب جاده واقع، که بواسطه وقوع این عمارات بوضع مذکور جلوخانی تشکیل یافته از برای در کاروانسرا که موجب شکوه کاروانسرا گردیده.

اما بنای کاروانسرا از سه طرف که شمال و جنوب و مغرب باشد تماماً با سنگ های بسیار صاف خوب لهدار و کج ساخته شده، پنج ذرع ارتفاع عمارت و جدران دارد. بطوری سنگ کاری شده که اگر با آجر ساخته می شد باین صافی و مستقیمی نمی بود. ولی بقدر پنج رك با آجر و گچ چیده و ساخته شده برای حفظ از آب باران که پشت سنگ چین نیفتد لیکن از طرف شرقی که جلو در ورود کاروانسرا است تماماً از گچ و آجر ساخته شده.



وارد دالان کاروانسرا که میشوند طرفین دالان دو اطاق مقابل یکدیگر است. داخل صحن دور تادور یعنی چهار ضلع مشتمل است به اطاقهای يك درى ، و در دوزاویه ضلع غربی مقابل در کاروانسرا دو خلوت است که می توان در آنها منزل کرد. کلیه سی باب اطاق دارد. طول کاروانسرا سی ذرع، عرض بیست و چهار ذرع، دور تمام کاروانسرا پشت اطاقها سرتاسر طویله های عریض و طویل مسقف است مشتمل بر طاق نماها برای بار انداز، و همچنین در چهار زاویه بر دهر دو طویله سکوی بسته شده مشتمل بر چهار ستون برای منزل و بار انداز کاروانیان و زوار.

الحق بسیار خوب بنای مستحکمی است که ابدالاباد باقی خواهد بود و موجب دعا گوئی عموم ناس است مر وجود ذیجود اعلی حضرت قدر قدرت قضا سلطوت همایونی روح العالمین فداه را. امید که در زمان این دولت ابد مدت چندین هزار این نوع ابنیه خیریه بنا شود تا باعث رفاه عامه رعایا و برابا گردد.

### مهمانخانه حسن آباد :

چون امروز - که یوم شنبه شانزدهم صفر است و روز اول سفر - هنوز نهار صرف نشده بود از حسن آباد به مهمانخانه روانه شدیم که مسافت زیاده از يك میدان اسب بیش نیست. به ورود مهمانخانه که چهار ساعت بیشتر به غروب نمانده بود نهار صرف شد. این مهمانخانه وضعاً مثل مهمانخانه کهریزك، از حیث عمارت و بنا و در تهیه و ملزومات و آمادگی اسباب اطاقهای مسکن و اسباب میز تحریر و اسباب میز خوراکی و اسباب چراغ و اسباب قهوه خانه و اسباب آشپزخانه و سایر ظروف چینی و مسینه آلات و شیش خانه و کالسکه خانه و غیره بینه مانند مهمانخانه کهریزك، و در خرابی و بی اعتباری و تقلب سرکار مشابه آن.

بعد از صرف نهار به آقا میرزا احمد منشی باشی گفته شد که الحمد لله در مسافرت يك نوع آسودگی و فارغ البالی است که در مجاورت نه. قدری از نوشته جات و تحریر رستید و زمانی در استراحت نشستید. گفتند اکنون صدق است

ولی بعد معلوم خواهد شد که خلاصی مجال و تفصی اذست مردم غیر ممکن و بلااحتمال . يك ساعت ديگر معين خواهد شد که چه کارها و چه نوشتجات پیدا می شود .

در این گفتگو بودیم که قریب هفتاد هشتاد نفر از اورامین وفار و از ایلات و بلوک فشاویه و غار ارباب رجوع بسیار پیدا شدند که هر يك را خدمت جناب اجل عرضی و حاجتی بود . جناب اجل هر يك را به فرخور حال و مناسب مقال تفقدی و غوررسی و توجهی و دادرسی فرمودند .

**آقا میرزا احمد منشی باشی** مشغول تحریر مکاتبات و تسطیر احکام و جواب عریضجات شدند تا ساعت سه از شب . در این عصر جناب مستطاب وزیر علوم و آقای ناظم خلوت و آقا میرزا محمدخان و حاجی امین دارا ضرب و حاجی میرزا حسین فرصت را غنیمت دانسته مشغول صحبت شدند . حاجی امین چنین گفتند که امروز عزم راجزم کردم پل کرج سابق الذکر را که خراب و قریب الانهدام و عبور و مرور از آن متعسر و محذور است به جهت سلامتی وجود ذیجود فایض الجود مبارک اعلی حضرت شاهنشاه روح العالمین فداء بسازم در کمال استحکام و نهایت اهتمام تا باعث دعا گویی خواص و عام گردد . جناب اجل و جناب وزیر علوم و باقی همراهان عزم حاجی امین را تحسین نموده، ایشان را مصمم و مهیا کردند که در اول بهار مشغول این کار خیر آثار گردند .

\* \* \*

اما صحبت هایی که امروز از حضرت عبدالعظیم که در کالسکه نشستیم از این قبیل و بدین تفصیل بود :

جناب مستطاب وزیر علوم می فرمودند : ابتدای آبادی و ترقی هر مملکت و ملت از تعمیر ی است که در طرق و شوارع آن مملکت دولت میکند . چون اسباب سهولت عبور و مرور اهالی و امتعه هر بلد است از مسافتات نزدیک و دور . هر چه طرق و شوارع مملکت معمور تر، توسعه اهالی آن مملکت در همیشه مقدور تر و از قحط و قلاو عسرت دور تر و ترقیات علمی بیشتر و در تصرفات صنعتی بیشتر ،



ولی سرکاری اینگونه مشاغل باید با اشخاص بی طمع و قلب عالم عاقل باشد  
نه هر طماع متقلب جاهل .

در ضمن بعضی ایرادات علمی و عملی بر تهندسات خط جاده و راه و تقلبات  
معماری و سرکاری مهمانخانه و پل سازی در عرض راه داشتند . می فرمودند : نه  
اعوجاج و اریب و نه فرازونشیب از جاده رفع ، نه میل شمالی و جنوبی و انحراف  
مشرقی و مغربی را بموقع و موافق هندسه وضع نموده ؛ نه در بنای مهمانخانه  
اودامی و نه در پل سازی خیر خاص و عامی . دیگر بمناسبت مجمع و بزم از  
واقعات طی مسافت ولایت کات (۱) و مسافرت بلاد خوارزم و ملاقات خان غیبه  
و مکاتبات امیر بخارا و واردات پرمخت و رنج بلد هزار اسب و شهر اورکنج  
و جفاهای ترکمانان و بلایای خوارزمیان که باو والد ماجدشان به سفارت در اوایل  
این دولت رفته بودند صحبت میداشتند و اوقات همراهان را خوش و خیالات  
متفرقه را فراموش می ساختند . چه بنویسم از خوش سفری و مهر گستری و اخلاق  
حمیده و صفات پسندیده ایشان . بلی کمال مابینت است بین مجاورت و مسافرت  
در بروز و ظهور مقالات و احوالات هر شخصی از اشخاص عاماً کان او خاص .  
خلاصه امروز از چهار ساعت به غروب مانده تا سه ساعت از شب گذشته در  
رتق و وفق امور رعیت و امثال او امر سلطنت و خدمت بدولت و ملت و وقت خود  
را جناب اجل مصروف داشتند و دقیقه ای را مهمل و شغل و عملی را معطل نگذاشتند .  
مخصوصاً به قراء خالصه اطراف حسن آب آب گماشته ای فرستادند و اهالی و رعایای  
آنجا را حاضر ساختند ، با کمال اهتمام امر به تخم کاری و بذر افشانی نمودند ،  
آنها را تخویف از غفلت در کار و ترغیب در مواظبت به امر زراعت بسیار فرمودند .  
پس از آن تمام ارباب حوائج را از ایلات و بلوکات و صاحبان عرایض و  
نوشتجات را بانهایت مهربانی و غایت کاردانی حوائج و مآرب هر یک را بر  
آوردند و جواب همه نوشته جات و عرایض را دادند . هر یک مقضی المرام به نقاط  
اوطان و مکان و مقام خود روانه شدند .

پس از فراغت شام صرف شد. بعد از شام همگی و تمام دعا به وجود  
ذیجود اعلی حضرت شاهنشاه عالم پناه روح العالمین فداه نمودیم و ساعت پنج از  
شب در بستر استراحت غنودیم. قراری که امروز در باب جاده دولتی داده شد  
این بود که بر سر هر فرسخی قراول خانه ساخته شود و مستحفظی آنجا مقیم، مثل  
قراول خانه های راه حضرت عبدالعظیم قدری بزرگتر، و دیگر بر سر هر سه فرسخ  
طویل باشد که اسب کالسکه و گاری عوض گردد تا هم راه از خرابی و مفاسد  
دیگر محفوظ ماند و هم طی مسافت زودتر و عبور و مرور کالسکه و گاری سریعتر  
بواسطه عوض کردن اسب.

خلاصه اگر بخواهیم شرحی از اهتمامات جناب اجل اکرم افخم در رتق  
و تق خدمات دیوانی و مساعی امور مملکتی و دولتی و ملت مسلمانی بنویسم  
لغداً البحر من (۱) قبل ان تنفذ کلمات ربی. مثنوی هفتاد من کاغذ شود. گذشته  
از این حمل بر تملق و چا پلوسی و خود نمایی و لوسی می شود. هر که راشکی است  
اطلاعات بر ذات قدسی صفاتش اندکی است.

باری از شهر تا این مهمانخانه حسن آباد امروز هفت فرسخ طی شد.  
قراوران مستحفظ حسن آباد پانزده نفرند.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی



## یکشنبه هفدهم صفر:

امروز که یکشنبه هفدهم صفر است اول طلوع فجر جناب مستطاب وزیر علوم بر همه تقدم جستند و برخاستند و چراغ را ایشان روشن کردند، بعد دیگران برخاسته بعد از ادای فریضه و صرف چاهی همه مصمم حرکت شده، تشکر نمودیم که از بیتوته در این مهمانخانه که از بی اهمیتی سرکارش او هنر من بیت العنکبوت است جان به سلامت در بردیم. جناب اجل مأمور مخصوصی به حضرت عبدالعظیم فرستادند که معجلاً بنا و عمله حاضر کنند برای مرمت این مهمانخانه و سرکاری را مواظب این عمل فرمودند که با کمال اهتمام پس از معاودت از قم مرمت تمام باشد.

نیم ساعت از آفتاب برآمده در کالسکه‌ها نشسته روانه شدیم. از این منزل خط جاده به سمت مغرب ممتد است تا يك فرسخ بعد خط جاده اعوجاجات و انحرافات بهم رسانده چون در دره ماهور «ملك الموت دره» واقع است. اینجا دو فراز و شیب بسیار سختی دیده شد که کالسکه‌ها را مهار کردند. از این دوسرازیری که گذشتیم باز راه در جلگه واقع شد و خط جاده بجانب جنوب امتداد یافت.

تقریباً يك فرسخ که با زطی مسافت شد به دره ماهور «رودخانه شور» راه منتهی شد و به رودخانه شور رسید. مخصوصاً رقتیم پلی که میرزا نظام ساخته و خراب شده بینیم چگونه بنائی بوده. از آثار و علامات باقیه مفهوم شد که پل را دو چشمه و دودهنه ساخته که يك پارچه در وسط رودخانه و اتکای دو طرف دو سقف دودهنه روی آن يك پایه بوده و دو طرف دیگر دو سقف متکی بر پایه متصل بطرفین رودخانه. این دو پایه متصل به طرفین رودخانه به واسطه اطمینان به طرفین رود

به کلی در استحکام بی اعتنایی کرده ولی پایه وسط را که در وسط رودخانه واقع بوده با سنگ رودخانه و آهک ساخته، اما پس از دقت معلوم شد که آهک کاری در ظاهر بندکشی شده وسط کار با گل ساخته شده. قطر پایه دودزغ در دودزغ دیگر آجرو گچی دیده نشد که به کار رفته باشد.

این عمل با این همه قلب موجب حیرت و تعجب شد که مگر دولت محض بخشایش و رحمت صرفه صاحب این نوع قلب را به کیفر و سزا نرساند و گرنه باید به سیاست و قبیحه و مجازات قبیحه گرفتار آید.

### پل رودخانه شور:

بعد از تماشای آثار و علامات پل خراب هبای آمدم بر سر پل جدیدالبنای. اولاً آنجا آبادی دیده شد وافی و کافی مشتمل بر قهوه‌خانه و دکا کین نانوائی و بقالی و علافی، جمیع وسائل معیشت عمه و بنا بانهایت آراستگی و پیراستگی حاضر و مهیا، قریب به سیصد نفر بنا و عمه و کارگر از کوره‌پزوسرکار و میرزای محاسب و معمار همگی مستعد و مهیا درکار، ثانیاً پل را ساخته و پرداخته بانهایت استحکام قریب به فراغت و اتمام یافتیم. بناها مشغول به دست انداز و لیه‌سازی و آجر کاری مبتدا و منتهای پل، و عملها اشتغال داشتند بشن‌ریزی و سنگ‌کشی برای سنگ بست روی پل، حجاران در حجاری میل‌های سنگی و ازاره‌های مثابه دومهار پل غایت صنعت خود را به ظهور می‌رساندند. کوره‌پزان از دود کوره هوا را تیره و تار... و جفت این نطق و هم طاقی نگونسار کرده، معماران بناها را به کار داشته سرکاران را عملجات را بیکار نگذاشته. بر سر کوی صدق بازاریست و اندراو هر کسی بی‌کاری است.

چون آنجا رسیدیم جناب اجل و جناب مستطاب وزیر علوم و همراهان پیاده برای تماشای پل آماده شدند. قدری از روی دقت رسیدگی کردند پس از آن قدری برای صرف قهوه نشستند.

اما بیان چگونگی بنای پل: ابتدا تا انتهای پل که از شمال بطرف جنوب یا از جنوب شمال امتداد دارد که ابتدائاً یا انتهائاً باشد سیصد ذرع، چشمه‌های



پل پنج دهنه ، چشمهٔ وسط بزرگتر از چهار دهنهٔ طرفین ، امتداد چشمه‌های پنجگانه با چهار پایهٔ وسط هفتاد ذرع ، عرض دهنهٔ وسط دهذرع عرض هر يك از چهار دهنهٔ طرفین هفت ذرع ، ارتفاع دهنه‌ها نهذرع یعنی از كف تا طاق، ولی تا كف روی پل بادست انداز یازده ذرع ونیم . اما چهار پایهٔ وسط رودخانه که عمود این پنج طاق پنج دهنه است عرض هر پایه شش ذرع، طول هر پایه دوازده ذرع، تا دوزخ از ارتفاع پایه سنگ‌های حجاری شدهٔ صاف که هر پارچه از آن سنگ‌ها دو ذرع و نیم و سه ذرع طول و نیم ذرع و سه چارک و يك ذرع عرض . تمام قطر پایه تا آن حد ارتفاع سنگ‌کاری شده سی و شش ذرع است ولی از سنگ‌کاری که ارتفاع پایه گذشت يك ذرع و نیم از جلو که آب براست بوضع مثلث مخروط کم شده تا منتهی به نقطه‌ای می‌شود . آنچه کم شده و خورد رفته از گنج و آجر است و آن نقطه محاذی ابتدای سقف چشمه‌ها است . و همچنین يك ذرع و نیم از پس پایه که معین پایه است . این دو يك ذرع و نیم از طول پایه یعنی از جلو و عقب بمنزله دو مشایه است که آب بر جلو و معین و پشت بند پایه‌ها است . در حقیقت ارتفاع از سنگ‌کاری که گذشت طول پایه‌ها هر يك نهذرع است پس از منتهای سنگ‌کاری تا سقف تمام قطر هر پایه سی ذرع میشود .

اما بنیان بی : تمام پل تا كف دهنه‌ها و قواعد پایه‌ها پنج ذرع كف رودخانه را حفر نموده و با سنگ‌های عریض و طولیل و شفته آهك چیده و بالا آورده به این وضع که چهار ذرع از جلو و چهار ذرع از عقب كف دهنه‌ها و قواعد پایه‌ها بی را حفر کرده و بنا نموده که جمعا هفتاد ذرع طول بی و بیست ذرع عرض بی است که به این طور ساخته شده ، پس این بیست ذرع عرض بی را قسمت نموده چهار ذرع از جلو و چهار ذرع عقب را گذارده قواعد پایه‌ها را در دوازده ذرع وسط بنا نموده که طول هر پایه و كف دهنه‌ها است .

این كف دهنه‌ها و چهار ذرع جلو و چهار ذرع عقب مسطح و مفروش از سنگ‌های عریض و طولیل حجاری شده، اما آنچه آجرکاری شده از آجر قالب بزرگ حجیم است . دیگر طرف غربی پل که جلو آب است در دو طرف دهنه‌ها که یکی

جنوبی و دیگری شمالی دو مثابه‌ای به طول پنج ذرع امتد به طرف مغرب و به عرض و ارتفاع سه ذرع که هر يك منتهی به برجی میشود که ارتفاع برج شش ذرع است و بی این دو مثابه و برجین منتهای دو مثابه بعینه بی دهنه‌ها و پایه‌ها از پنج ذرع کف رودخانه حفر شده و با سنگ‌های عریض و طولیل و شفته آهک ریخته شده تا کف رود از کف سه ذرع ارتفاع یافته. این دو مثابه بمنزله دو مهار و این دو برج بمنزله دو تودت و میخ است برای استحکام و استقرار پل .

پس از صرف قهوه و استراحت در ضمن جناب اجل و جناب مستطاب وزیر علوم و همراهان از این بنای محکم متین بسیار تحسین نمودند و فرمودند به خصوص این بنای مستحکم مرصوص ، نه از سرکاری آقا باقر و نه از اهتمامات و مساعی آمر و نه از کاردانی معماران ماهر بلکه از صدق نیت و علو همت و بخت و اقبال با اجلال ظل خداوند متعال بندگان اعلی حضرت کیوان مرتبت شهنشاه عالم پناه روح العالمین فداه است . همگی دعا به وجود ذیجود اعلی حضرت همایونی نموده، بر خاستیم در کالسکه‌ها نشسته روانه شدیم .

این پل جدید البتاً تا خط جاده که میرزا نظام کشیده هزار قدم پایین تر است. بعد از این خط جاده به پل اتصال خواهد یافت . خط راه از اینجا به جانب جنوب غربی امتداد دارد لیکن زیاد در تلال و وهاد واقع ، چند مورد به فراز و نشیب بسیار سخت برخورده که ناچار کالسکه‌ها را مهار کردند که اگر تغییر یا تسطیح نیابد عبور و مرور کالسکه‌وگاری در این چند مورد صعب و خطرناک خواهد بود .

### مزرعه و باغ و قنات صارم الملك :

از این تلال و وهاد که گذشتیم جاده به جلگه منتهی شد و خط راه متمایل بطرف مغرب گردید . قلعه محمد علی خانی که در آنجا نیز مهمانخانه ایست نمودار آمد . قدری از این جلگه که طی شد - نرسیده به قلعه محمد علی خانی - صارم الملك باغی بنا نموده و قناتی احداث کرده . اما باغ تقریباً هشتاد هزار ذرع زمین را دیواری چهارچینه بدون کاگل دور او کشیده و بقدر هزار ذرع آنرا باغچه بندی کرده و بقیه بایر افتاده . دو نفر باغبان زرنندی داشت



قدری کاهو و پیاز و چغندر به رسم تعارف باغبانی آوردند برای ما از حاصل این باغ .

از اینجا رفتیم به سرقات . يك چارك آب بیش نداشت . آن آب چنان تلخ و شور بود که گویا اظهار معنی شاهسونان را نموده . قریب به دهنة قنات اصطخری سه چارك عمق و ده ذرع مدور دهنه ، هفت خانه گلی بر سر آب ساخته . سراصطخر و قنات ناهار صرف شده بعد از آن به کالسهما نشسته و روانه شدیم .

### قلعه محمدعلی خانی :

از اینجا خط جاده به طرف مغرب امتداد داشته ، اگر چه راه صاف ولی کویر است و شوره زار . در زمستان گل خواهد شد . چند پل هم دیده شد که بر روی مسیل است اما پل ها خراب .

پس از طی این مسافت به قلعه محمدعلی خانی رسیدیم . این قلعه در جلگه شن زاری واقع ، طرف مغربی آن کوه های زر قند ، طرف شرقی تلالو و هاد ملك الموت دره . این قلعه مشتمل است به چهل خانواد شاهسوز و باغستانی مشجر به اشجار انار . آب این آبادی در این فصل پائیز نیم سنگ اما قدری شور است . در این آبادی مهمانخانه ای هم بنا شده لیکن خراب .

اینجا هیچ مک نکریم به طرف علی آباد رفتیم . از اینجا خط جاده اعوجاجات زیاد دارد که در نفس الامر نمی توان گفت راه به کدام طرف ممتد است گاهی به سمت جنوب و گاهی به مغرب و قدری به جانب مشرق .

امروز تا علی آباد هفت فرسخ طی مسافت شده . پنج فرسخ تا قلعه محمدعلی خانی ، دو فرسخ تا علی آباد .

### علی آباد :

دو ساعت و نیم به غروب مانده وارد علی آباد شدیم . به ورود آنجا به تماشای ابنیه جدید علی آباد مشغول شده مثل حمام و قهوه خانه . بعد وارد عمارت جدید البناء که مخصوص خود جناب اجل بوده ، برای این که هر وقت به زیارت معصومه قم مشرف شوند یا آن که اگر اولیای دولت ابد مدت از آنجا عبور کنند در آنجا منزل

کرده و آسوده و راحت باشد .

آنجا چاهی صرف شده، ادای فریضتین ظهر و عصر نموده، به تماشای باغ جدیدالبنای محاذی عمارت و کاروان سرا رفتم . باغی مزین و بستانی متضمن به نسیرین و یاسمن دیده شد . چون این منزل مقابل حوض سلطان واقع بود بسیار متعجب شدیم که چنان منزل تنگ بی آب هباء میدل به این منزل وسیع پر آب باصفا یعنی دوزخی جنت و برزخی قصر عالی مرتبت گردیده ، این نیست مگر به یمن اقبال و بخت با اجلال و افضال سلطنت اعلی حضرت شاهنشاه عالیان پناه روح العالمین فداه . چگونگی این باغ بعد مفصلاً ذکر میشود .

پس معاودت به عمارت برای ادای فریضه مغرب و عبادت نمودیم . باز چون در این منزل هم بعضی از باب حوائج و عرایض جمع شده ، بعد از ادای فریضه جناب اجل مطلب و حاجت هر يك را رسیدگی فرموده، قضاء حوائج و جواب عرایض همرا در کمال درستی و کاردانی و نهایت رأفت و مهربانی نمودند و نوشتند و روانه نقاط اوطان خود داشتند .

### وضع علی آباد :

اما چگونگی علی آباد و وضع آن بدین تفصیل است :  
علی آباد در اواخر تلال و وهاد دامنه شمالی کوه داغ رو به جنوب شرقی است . دریاچه ای که اکنون پر آب و حوض سلطان واقع در کنار آن منظر او است . گویند دریاچه ساوه معروف که در ادوار و قرون چند خشک بوده و مورخین و محدثین اسلام ابتدای خشک شدن او را از علایم و آثار تولد حضرت سید ابرار (ص) ذکر نموده اند همین دریاچه است و الحال پنج شش سنه می شود که باز پر آب شده . سر آب افتادن در اینجا به موقعش ذکر خواهد شد .

### قنات علی آباد :

اما آب علی آباد از قناتی است که چندی قبل جناب اجل اخراجات بسیار کرده و زحمات بی شمار کشیده اند تا به این حد آب پیدا کرده، تا اینجا جاریست . قدر آب اکنون يك سنگ و نیم زیادتر است . با این که در فصل پائیز قنات در



انحطاط و کاست است. لیکن هنوز از این آب بهره زراعتی برده نشده. مبدأ این قنات در دامنه شمالی کوه داغ و جاری بطرف جنوب شرقی. تقریباً از مبدأ قنات تا علی آباد نیم فرسخ می شود ولی این مسافت نه به خط مستقیم است بلکه مجرای در نهایت انحناء و اعوجاج از کنار تپه ها و دره ها روان، و بعضی موارد که از کنار تپه و تلی متعسر بوده یا غیر ممکن، آن تل و تپه را نقب زده اند و آب را آورده و بعضی مواقع در مسیل ها مجری وقوع یافته رفع ضرر سیل را نموده. بهر تقدیر تمام معایب مجرای آن را بامشقت های زیصاد دفع و رفع نموده اند تا به این حد آب به علی آباد رسیده. دیگر به واسطه قرب این دامنه کوه به کویر و دریاچه بعضی دره ها و تلال این دامنه خالی از ملاح و شوری نیست. این آب در این مسافتی که طی می کند به آن تلال مالجه و دره های مسیل و سخته بر خورده با وجود این عوایق و علایق مغیره مزه آب از ظلم اول بهمرات و ملاحات باز در نهایت عذوبت و حلالتست که گویا بادجله بغداد هم حمله و داد و باشط فرات از یک چشمه جاری و باشط العرب در یک مجری متواری. از هیچ مؤثری متأثر نبوده و هیچ ملح اجاجی عذب فراتش را منقض نموده.

آبادی علی آباد اولاً به این آب مذکور و به کاروان سرا ابتدا شده. کاروان سرا به سرکاری و تهندس مهندس الممالک الحق برای مسافران طرفه جایی و برای کاروانیان نیکوسرای است. لیکن جناب اجل بعد از اتمام خلاف تهندس در این بنا یافتند و بازحمات زیاد و اخراجات بسیار رفع نقص و خلاف تهندس را فرمودند. خلاف تهندس این که مهندس الممالک بنا را در مسیل نهاده بود، بعد از حفر خندق و سیل برگردان و خرج فراوان کاروان سرا را از رهگذر بلانجات دادند.

دیگر آن که در طرف غربی کاروان سرا به مسافت شصت قدم معدن سنگی قابل و به مسافت صد قدم معدن گچ بوده ایشان بی تفقهی و بی توجهی نموده سنگ و گچ بنای کاروان سرا از کاروان سنگی که در یک میدانی آنجا است آن بنای قدیم که از انبیه عتیقه عجیبه و بر پا بودنش به جهت عوام و خواص صدهزاران

نفع و خواص و برای هرمجاور و مسافری منزلگاه و مناص ، این بنای محکم متین را یاصدهزار مشقت و عذاب خراب کرده گنج و سنگ آنجا را حمل و نقل از آنجا نموده و گنج مرده را دوباره طبخ کرده در بنای این کاروانسرا به کار برده . زهی تهنس و معماری ، خهی تفقه و سرکاری ا . بعد از فراغت مهندس الممالک به اندک زمانی از بنای کاروانسرا جناب اجل هم معدن سنگ قابل و هم معدن گنج بسیار خوب آنجا پیدا کردند و به کار ابنیه دیگر برده شده که بعد ذکر خواهد شد .

### کاروانسرای علی آباد :

خلاصه وضع کاروانسرا متساوی الاضلاع ، شصت و پنج ذرع در شصت و پنج ذرع . ضلع جنوب شرقی دالان در وسط ، دو اطاق مقابل يك ديگر در دالان و شش اطاق در این ضلع که سه اطاق طرفی و سه اطاق طرف دیگر دالان . اما ضلع شمال غربی مشتمل بر يك اطاق سهدری وسط و يك راهرو و دو اطاق طرفی ، و يك راهرو و دو اطاق در طرف دیگر . اما ضلعین شمال شرقی و جنوب غربی که مقابل يك ديگر است هر يك مشتمل بر نه اطاق که يك اطاق سهدری در وسط و چهار اطاق در طرفی ، و چهار ديگر در طرف دیگر که این دو ضلع مشتمل بر هیجده اطاق است . تمام کاروانسرا مشتمل بر سی و يك اطاق .

اما در ظهر حجرات واقعه در چهار ضلع طولیهای عریض و طویل مشتمل بر طاق نماهای بخاری دار برای بار انداز مکاریان و منزل مسافران در زمستان ، و ما بین هر دو طولیله در دو ضلع که چهار زاویه باشد سکویی مرتفع مربع مشتمل بر چهار ستون برای توسعه منزل مسافرین و عابرین و چهار برج در چهار زاویه دیوار عقب طولیله ها : دو برج ضلع شمال غربی کوتاه محاذی بام کاروانسرا ، دو برج ضلع جنوب شرقی مرتفع تر از بام به پنج ذرع مشتمل بر اطاق تحناتی و فوقانی . بر سر این دو برج از جانب جنوب شرقی دریاچه و کویر حوض سلطان تاده فرسخ دیده می شود و از جوانب دیگر تمام تلال و وها د کوه داغ و طرف غربی دریاچه ساوه را که دامنه کوه کوشک بهرام باشد دیده بان است . ارتفاع هر يك نه ذرع .



### عمارت علی آباد :

بعد از بنای کاروان سرا در جنب آن یعنی متصل به ضلع شمال شرقی کاروان سرا به سرکاری گماشتگان مخصوص جناب اجل عمارتی بنا کرده شده مشتمل به ایوانی سه ذرع طول و یک ذرع و چارک عرض و چهار ذرع ارتفاع ، و اطاقی عقب ایوان به طول ایوان ولی به عرض دو ذرع و نیم ، و دری از این اطاق در وسط ایوان باز شده . حوضی مدور یک ذرع در یک ذرع در وسط این اطاق که حوض خانه مختصری است . تمام آب قنات مذکور از عقب عمارت جاری در این حوضچه ، از اینجا به آب نمای حیاط عمارت جریان دارد . و اطاق مربع سه ذرع در سه ذرع طرفین این حوض خانه است که از هر یک به حوض خانه دردی است .

و در جلو این دو اطاق که طرفین ایوان باشد دو برج بنا شده که ارتفاع هر یک از ایوان کوتاه تر ، و سه دهنه ایوان را به وضع مخصوصی ساخته اند که ایوان و برجین طرفین و دری که وسط ایوان واقع شده مانند سردهای زفیعه منیع ، صدر عمارت وضع مخصوصی پیدا کرده که بسیار باشکوه شده .

و درون این دو برج هر یک اطاقی بنا شده نیم مدور که دو ضلع فرضی آن قوسی است و منحنی و دو ضلع دیگر مستقیم ، تابع جلو اطاق عقب و یک طرف ایوان . از این دو اطاق درون برجین دردی به حیاط باز شده و دردی به ایوان و دردی به اطاق عقب که این چهار اطاق و حوض خانه وسط ایوان هر یک را به یک دیگر راه است و دردی .

از حسن اتفاق آن که منظر این ایوان و حوض خانه و دو اطاق و درون دو برج ، حیاط عمارت و دریاچه عمارت و قهوه خانه و بعضی از تلال و وهاد و دریاچه ساوه و اراضی و سخته کویر تاده فرسخ که سراب نماست واقع شده .

دیگر متصل به دو طرف دو برج که ابتدا و منتهای ضلع شمال غربی و دو زاویه صدر عمارت است دو راه رو به دو خلوتک کوچک که آنها مشتمل بر آشپزخانه و قهوه خانه و بعضی امکانه ملزومه عمارت [است] با درگاهی برای آمد و شد عقب عمارت . اما جلو این ایوان دو راه رو حیاطی است دو مرتبه و دو درجه ، تقریباً

هشت ذرع درهشت ذرع . مرتبه اول ایوان از او نیم ذرع مرتفعتر است . این مرتبه مسطح و مفروش از سنگهای عریض و طویل ، ازارة حجاری شده صاف ، مشتمل به حوضچه ای زیر ایوان که آب مذکور از حوض خانه عقب ایوان در او ریخته می شود از آنجا از زیر مرتبه اول در آب نمای مرتبه ثانیه حیاط روان است . این مرتبه اولی مشتمل است به دو اطاق قرینه یکدیگر و هر یک اطاق ایوانی در جلو آن واقع و وسط هر دهنه ای از این دو ایوان ستون سنگی یک پارچه به ارتفاع دو ذرع که عمود و متکای اطاق ایوان است .

مرتبه ثانیه حیاط مشتمل است به حوضچه و آب نما و دو باغچه بیضی شکل طرفین آب نما . این دو باغچه سبز و خرم در وسط هر یک بوته گل خرزهره قوی پر گل مغروس و اطراف این دو باغچه به انواع مختلف کوزه های گل دستی چیده شده . این مرتبه هم نیز مفروش به پارچه های سنگ طویل و عریض حجاری شده صاف .

این مرتبه مشتمل است به چهار اطاق و ایوانی جلوه ریک مقارن یکدیگر در ضلعین شمال شرقی و جنوب غربی و در منتهای این مرتبه ثانیه روی آب نمای تختی از یک پارچه سنگ یک ذرع و نیم طول سه چارک عرض حجاری شده صاف که دو طرف طول سنبوئی لوحی شکل روی دو پارچه سنگی دیگر که پایه مانند تراشیده شده قرار داده اند که یک نفر بخوبی و استراحت روی آن می تواند بخوابد و دوسه نفر روی آن میتواند بنشینند به وضع صندلی .

اما مرتبه سیم حیاط در اول مرتبه دو ضلع شمال شرقی و جنوب غربی از عقب شکسته شده که دوزاویه منعکس از عقب رسم و دو گوشه از پیش ، پس حیاط وسیع تر گردیده . این دو ضلع شکسته شده مشتمل است بر دو اطاق و دوراه پله مقارن یکدیگر و دو برج نغذعی ارتفاع مشتمل بر اطاق تحتانی و فوقانی و ستاره ای با کنگره های دور بام دو برج کشیده شده که برج منتهای ضلع جنوب غربی عمارت مشترک است با کاروان سرا که همان برج ضلع شمال شرقی کاروان سرا است . این دو ضلع عمارت به این دو برج منتهی شده .



این مرتبه سیم حیاط مشتمل است به آب‌نمای وسط و دو باغچه کوچک طرفین آب‌نما مثلث شکل به‌وضعی که دوضلع آن خط مستقیم ، اما يك ضلع طرف صدر عمارت و طرف جنین عمارت قوسی و منحنی به‌طوری که می‌توان مربع فرض کرد . این دو باغچه هم سبز و خرم و در وسط هر يك باغچه بوته گل خرزهره پرگل غرس شده و در دوضلع دو باغچه طرف آب نما چهار اصله ید مغروس .

و بر روی آب‌نما محاذی دوزاویه باغچه تختی از دو پارچه سنگ يك ذرع و نیم طول هر يك بردو پایه سنگی قرار داده شده که دو مقابل و نیم تخت مرتبه تانبه مذکوره است که دو نفر روی آن می‌توانند بخوابند و چهار نفر روی آن می‌توانند بنشینند . این چهار درخت ید دو اصله آنسایه بر این تخت می‌اندازند و دو اصله دیگر سایه بر آن نیم تخت مرتبه تانبه انداخته .

بعد از آن در جلو این تخت و آب‌نما و دو باغچه بفاصله يك خرنند يك ذرع و چار ذرع دریاچه بزرگی است دو اوزه ذرع عرض بیست و پنج ذرع طول که علی‌الاتصال تمام آب مذکور قنات علی‌آباد از حوض خانه به آب نمای وسط مراتب ثلاث حیاط عمارت و از آب‌نما به این دریاچه روان که همیشه دریاچه مملو از آب صاف شیرین گوارد و چندین غاز و مرغابی روی آب شناور و غلطان .

دو باغچه دیگر به طول دریاچه و دو ذرع و نیم عرض به فاصله دو خرنند طرفین دریاچه ، هر دو سبز و گل‌کاری شده . این دو باغچه طرفین مقابل آن دو برج منتهای عمارت است . تمام این مرتبه ، لبه‌های دریاچه و دو باغچه از پارچه های سنگ دودرع و نیم سه ذرع و نیم طول يك ذرع و يك ذرع و نیم و دو ذرع عرض ، مفروش و چنان فرش شده که مفاصل و درزهای این سنگ‌ها دیده نمی‌شود مگر به دقت گویا فرش این مرتبه از يك پارچه سنگ است .

چون عمارت تقریباً در سینه تلی واقع ، ذیل عمارت که مرتبه سیم حیاط باشد با این که مراتب ثلاثه عمارت هر يك از دیگری به ارتفاع نیم ذرع بلندتر است تا کف جاده که معبر عام است دودرع کرسی پیدا کرده ، این جاده همان

راهی است که در او آمد و شد جمیع عابریین است به دارالخلافة عظمی یا از دارالخلافة عظمی .

راهرو خروج و دخول عمارت از جلو و ذیل عمارت به دور پله ای است که محاذی دوخرنند جنبین دریاچه واقع ، پله ها با سنگ های قطور حجاری شده ، هر يك پله به شکل نصف دایره ، پنج پله هر يك کوچکتر از پله زیری که تمام به شکل نصف مخروط شبیه .

بین این دوراه پله در وسط ارتفاع کرسی ذیل عمارت در دیواره زیرخرنند لبه دریاچه ناودانی سه ذرع طول نیم ذرع عرض و یک چارک گردی میان از یک پارچه سنگ حجاری شده ، در عرض آن دیواره قرار داده اند که بالانصال آب مذکور از دریاچه در آن ناودان ریخته و از آنجا زیرجاده راه آبی ساخته شده که آن آب به حوض قهوه خانه میرود. این ناودان برای آن است که تمام حیوانات از آن ناودان به سهولت بدون آنکه سر را بزیر آورده مخالف طبیعت و به کلال و ملال آب خورند بلاشکال آب آشامند و همچنین اناس عابریین به غیر آنکه داخل عمارت شوند از آنجا به آسانی و سهولت آب بردارند .

دیگر آنکه دیواری یک ذرع ارتفاع از برج مرتفع منتهای ضلع جنوبی غربی تا برج مرتفع ضلع شمال شرقی کشیده که کسی از خارج داخل عمارت را ندیده ولی هر که در عمارت است تمام خارج را از عابریین در جاده و قهوه خانه و باغ و بعضی تلال و وهاد مقابل و قلعه سنگی واقع در سمت جنوب شرقی و دریاچه ساوه و کویر را تا هر چه بصر را استعداد و تاهرجا نظر را امتداد باشد به نهایت خوبی و غایت مطلوبی دیده .

چون ارتفاع و کرسی عمارت از سمت جنوب شرقی دو ذرع و ارتفاع ضلعین طرفین شمال شرقی و جنوب غربی قدری از دو ذرع کمتر ، این ارتفاع با یک ذرع ارتفاع دیوار حایل است برای درون عمارت که هر که خارج است داخل را نبیند لیکن این قدر حایل که دیوار یک ذرعی باشد منظر را بکلی ضرر نمی رساند و حایل و مانع نظر هر که در عمارت است نیست .



## قهوه خانه علی آباد :

دیگر از ابنیه جدیده در علی آباد قهوه خانه عامه ای است مقابل عمارت طرف جنوب شرقی جاده عامه که بن عمارت و قهوه خانه امتداد دارد و تمام عابریں در ذهاب و ایاب آنجا عبور نموده . وضع قهوه خانه از درون و برون مثنی، درون قهوه خانه مشتمل بر چهار صفه و فاصل بین صفه ای با صفه ای بقدر درگاهی که یک ذرع عرض او است ، سکوی باریکی جلو او بسته شده به طوری که متصل است با سکوهای چهار صفه تاهشت ضلع وهشت زاویه شکل مثنی تکمیل شده . اما چهار صفه هر یک سه ذرع در سه ذرع است که تمام دوره درون شانزده ذرع می شود. دو صفه جنوب غربی و شمال شرقی سکوی مسطح بسته شده به ارتفاع سه چارک از کف زمین حیاط وسط . وسعت و گنجایش هر یک از این دو صفه زیاده از آن است که بانزده نفر بنشینند .

اما دو صفه شمال غربی و جنوب شرقی راهرو است. صفه شمال غربی راهرو خروج و دخول در قهوه خانه ، صفه جنوب شرقی مجرای آب حوض وسط. محاذی کف قهوه خانه آب نمایی دارد و طرفین هر یک از این دو صفه مقابل سکوی باریکی بسته شده برای نشستن مردم .

در وسط کف حیاط قهوه خانه حوضی مثنی یک ذرع و نیم در یک ذرع و نیم، لبه این حوض از یک پارچه سنگ مثنی حجاری شده که تمام آب مذکور از دریاچه عمارت به ناودان ریخته و از راه آب زیر جاده فرورفته از این حوض فوران نموده از لبه حوض در آب نمای اطراف حوض ریخته و از آنجا در آب نمای صفه جنوب شرقی جاری شده داخل باغ می شود .

ارتفاع طاق وسط حیاط قهوه خانه نه ذرع ، چهار اطاق سه ذرع در سه ذرع در چهار زاویه و گوشه قهوه خانه واقع که هر یک را چهار در است . دو درگاه در دو صفه درون قهوه خانه و دودر به خارج قهوه خانه بازمی شود .

اما بنیان عمارت این قهوه خانه از چهار ذرع زمین که حفر شده و بنای بی نهاده اند تالب سکوهای آن و کف صفهها و اطاقها با سنگ و آهک و از آنجا

تازیرسقف‌ها با گچ و سنگ و سقف‌ها با آجر و گچ در نهایت استحکام بنا شده، کف قهوه‌خانه که اطراف حوض وسطا است مفروش با سنگ‌های عریض و طولیل صاف حجاری شده و همچنین تالب سکوها با سنگ‌های ازاره و اداشته شده.

اما برون قهوه‌خانه یعنی در قهوه‌خانه و جلو آن و دو اطاق طرفین صفه شمال غربی که جزو جلو و طرفین در قهوه‌خانه است. اولادری عالی آنجا گذارده شده مقابل و محاذی ایوان صدر عمارت، و طرفین در سکوی باریکی به عرض سه چارک بسته‌اند برای هر که بخوهد وارد نشود می‌تواند همانجا نشسته چاهی بخورد و قلیان بکشد در حالی که عنان مال سواری خود را در دست داشته و معملاً خواسته باشد برود در هر وقت از اوقات، یا آنکه مسافر چنان خسته باشد که نتواند داخل قهوه‌خانه شود پیاده یا سواره همانجا چاهی خورده و تدریج سیگار یا قلیان کرده به کاروان سرا برود، یا آن که به کلی از این منزل بخوهد رد شود.

این تفصیل که نوشته شد برای این است که مقصود بانی از بنا تسهیل کار مسافرین و توسعه منزل گاه زوار و عابرین است. چون قریب به هزار سال حال قوافل در این منازل، بخصوص معیشت هر سایر و عابرین اعم از آن که راکب یا راجل - در این منزل بغایت متسر و مشکل بوده، وضع حالیه بالنسبه به ازمئه خالیه مصداق و مفاد این مصراع از آیات و افراد شیخ شیرازی است:

ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

بازی جلو دو اطاق طرفین در قهوه‌خانه سکوی عریضی یک ذرع و نیم عرض، این دو سکو جلو هر یک اطاق کشیده شده. از ضلع جلو تا منتهای ضلع جنب اطاق که هر یک سکو چهار گوشه پیدا کرده. اما این دو سکو با پارچه‌های سنگ صاف حجاری شده و دو ذرع و سه ذرع طول یک ذرع و یک ذرع و نیم عرض و روی هر گوشه هر یک سکو ستونی از یک پارچه سنگ دو ذرع ارتفاع گذاشته شده این دو سکو را مسقف کرده‌اند، به طوری که سقف از جلو اتکا به ستونها دارد و از عقب متکی به جلو دو اطاق و طرفین در قهوه‌خانه که دو ایوانی هر یک پنج دهنه



بین ستونهای سنگی پیداشده ، تمام جلو باهشت ستون سنگی وهشت گوشه مشابه به نصف عمارات کلاه فرنگی متداوله گردیده.

فی الحقیقه وضع غریبی وشکوه ونمایش عجیبی است . تفهیم وضع آن بنا به این تحریر وتسطیر محال وتوصیر چگونگی آن مبنا فوق تخیل وتمثیل وهم وخیال . مگر دیده شود نافهمیده شود . بسیار فرق باشد از اندیشه تاوصول .

### حمام علی آباد :

دیگر از ابنیه جدیده در علی آباد بنای دو حمامی است که در عرض قهوه خانه طرف جنوب شرقی جاده واقع .

اولا مجرای مخصوصی برای آب حمامها قرار داده شده که قبل از آنکه آب در آسیا و عمارت داخل شود جدولی جدا شده وبالاتصال داخل حوض های حمام واز حوض ها سرازیر شده از حمام خارج می شود . این آب مخصوص به هیچ کثافتی ملاقات نکرده تا بحمام می رسد .

ثانیاً بنا بر تقریرات صادق سرکار این ابنیه که شخصی از گماشتگان کاروان کامل کافی واز مخلصان عاقل وافی جناب اجل است بنیان پی حمام ده ذرع تا کف مرتبه تحتانی حمام زمین حفر شده با سنگ وشفته آهک محکم چیده شده ، بعد از آن سقف گلخن وسقف کف حمام نیز با سنگ وآهک وهمچنین دیوارها تازیر سقفها ، لیکن سقفها با آجر و گچ ساخته شده .

اما کلیتاً حمام مردانه وزنانه تمام کف و گرم خانه ها ودالانها تانصف دیوارها تا یک ذرع ارتفاع از پارچه های سنگ عریض وطویل حجاری شده نرم صاف چنان فرش کرده اند که مفاصل سنگی با سنگی در بادی نظر مفهوم نمی شود مگر به دقت وتأمل . گویا تمام حمام از یک پارچه سنگ است . جامه گاه از یک پارچه سنگ مشبک مانند یک کاسه منعکس .

حمام مردانه بزرگتر از حمام زنانه . سر بینه و رخت کن حمام مردانه وضعاً مشمن مشتمل است بر هشت ستون سنگی دودزرع چارک کم ارتفاع وهشت دهنه که چهاردهنه بزرگ چهار صغه رخت کن ، وچهار دهنه کوچک یکی راهرو وخر وچ

و دخول در حمام یکی راهرو خروج و دخول گرمخانه ، اما دودهنه کوچک دیگر جزو چهارصفه رخت کن .

گرمخانه وضعاً مربع متساوی مشتمل بر چهارستون سنگی دوزخی ارتفاع ، و شاه نشین گرمخانه نمازخانه ای واقع است به این طور که يك تختی از یکپارچه سنگ دوزخ طول يك ذرع عرض بر روی دو پایه سنگی نهاده شده و دو جلوان تخت حوض مربع مستطیل واقع و بالاتصال آب از این حوض و حوض سرینه سرازیر است . لبه حوض سرینه از يك پارچه سنگ مشمن شکل ، حوض گرم خانه لبه و چهار دیوار عمق از چهار پارچه سنگ ، طول حوض دو ذرع عرض يك ذرع عمق يك ذرع و نیم ، مقدار چهار پارچه مفهوم شد .

گنجایش و وسعت حمام مردانه از یینه و گرمخانه : بیست نفر در یینه به استراحت رخت می کنند و در گرم خانه به آسودگی می نشینند . پله های دالان حمام ها که هر يك پنج پله می خورد هر پله از يك پارچه سنگ قطور .

حمام زنانه ستون سنگی ندارد لیکن در حجاری مشابه حمام مردانه . خزانه این دو حمام از يك دیگگ گرم می شود . آب خزینه به حدی پاک و صاف است که حاجب ماوراء نیست . از ته خزینه ناخن پنجه پانمایان است . عابرین انانثا و ذکوراً تمام مرخصند در دخول حمام ، تا خواص و عوام به جهت این نعمت راحت و رفاه دعا گوی وجود مبارك اعلي حضرت عالمیان پناه روح العالمین فداء باشند .

از آن جایی که اینگونه نعمات و جریان این قسم حسنات از ایادی و مساعی اشخاص قدسی صفات ساعی خیرات در این فیافی و ظلوات دور از آبادی و ولایات که در واقع مورث حیات عابرین و مبعث اموات مسافرین است صورت پذیر نیست مگر به خواهش و یاری و اعانت خدا و گشایش و مددکاری حضرت مولا ، ماده تاریخ بنای حمام در این مقام مانند الهام ملك علام حکایتی غریب و آیتی عجیب یعنی « نصر من الله و فتح قریب » آمده .

عجیب تر و غریب تر اتفاق آن که کلام حکیم علی الاطلاق مصدر به مبدئه



اشفاق نام پادشاه آفاق است تادلالت کند براین که اظهار این آثار خیریت  
دثار در زمان سلطنت او ان دولت این قهرمان معدلت شعار و به مساعی و همت  
امین این سلطان با امانت و اقتدار بوده . امید این سلطنت و نصرت دین پاینده  
و خلعت امانت بر قامت حضرت امین زیننده، مادام که نبرین در چرخ برین فروزنده  
و بر بساط بیض زمین تابنده .

### دکاکین علی آباد :

دیگر از ابنیه جدیده در علی آباد دکاکین نانوائی و بقالی و علافی است  
که در طرف شمال غربی جاده و شارع عام متصل به عمارت و مقابل حمام با چندین  
انبار بسیار وسیع متین با استحکام برای ذخیره هیزم و گاه و غلات و آنچه لوازم  
مسافرین و عابرین است از ما کولات بنا شده . از بنیان تا منتهای جدران با گچ و  
سنگ و سقفها با گچ و آجر .

اما کسبه این دکاکین بر خلاف کسبه پیشین حوض سلطان که بجز عنوان  
نزد اهالی ایران ایشان را مصداقی نه، و در دغل و لجاج با مسافران مانند شیوخ  
جبل در اخوه گرفتن از حجاج مسلمانان مثل بوده اند، با این که ملزومات مسافرین  
و عابرین را بفراوانی ذخیره نموده و انباشته اند همیشه با وجود دارایی هیچ  
نداشته اند یعنی نانوائی بی نان و بقال بی ادام و علاف بی علوفه حیوان تا آن قلابان  
بی فروغ و کاسبان دروغ امتعه ارزان را بهر قیمت که خواهند در کم یابی بیشتر  
گران فروشند .

لله الحمد الحال در این دکاکین کل ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین یعنی نان  
مرغوب خوب وافر فراوان و گاه جو پاک بی خاک حاضر و ارزان ، از هر نوع ادام  
مناسب خاص و عام، چه لبنیات و دسومات چه میوه جات و حبوبات ، رطباً و یابساً  
تمام ما کولات نفیسه بقیمت رخیصه مهیا و آماده بهر کس داده ، بواسطه امتعه  
زیاد بازار نان خورش کساد .

### آسیای علی آباد :

دیگر از ابنیه جدیده در علی آباد آسیایی است واقع در ظهر عمارت که

تمام آب قنات مذکور از آسیا بعمارت جاریست . تقریباً چهل ذرع جدول مجرای آب که متصل به تنوره آسیاست با سنگ و آهک ساخته شده . دهنه تنوره یک ذرع و نیم در یک ذرع و نیم مدور ، عمق یا ارتفاع تنوره هشت ذرع که با سنگ و آهک به نهایت مستحکم بنا کرده اند .

آسیا مشتمل بر چهار طاق مربع هر یک چهار ذرع در چهار ذرع ، وسعت و گنجایش بار انداز پنجاه شصت و قر غله دارد . عمل آسیا در شبانه روزی یک خروار و نیم است . دو سنگ فوقانی و تحتانی آسیا یک ذرع در یک ذرع مدور ، قطر هر یک یک چارک . اگر این آسیا در ولایات یادر رساتیق (۱) و قریه جات معموره بودی مداخل بسیار و منافع بی شمار داشتی . ان شاء الله تعالی به اقبال با جلال بندگان اعلی حضرت شاهنشاه عالم پناه روح العالمین فداه عما قریب از قصبه های معموره معتبره خواهد شد زیرا که اکنون هنوز بنای زراعتی و سکنای رعیتی در او نشده .

### باغ علی آباد :

دیگر از ابنیه جدیده محدثه در علی آباد دو باغ است یکی باغ سفلی مقابل عمارت و کاروان سرا در طرف جنوب شرقی جاده و متصل بقهوه خانه و دیگری باغ علیا واقع در ظهر کاروان سرا .

اما باغ سفلی طولش پانصد ذرع و عرضش تا صد و پنجاه ذرع از طول شصت ذرع و تا سیصد و پنجاه ذرع از طول سی ذرع . باز در ذیل آن اراضی دیگر است که اکنون بایر ولی قابل دایر شدن و جزو باغ می توان کرد ، اما آنچه الحال از آن دایر و معمور بدین تفصیل دیده شد . حواشی جداول خیابان هاشم به اشجار کبوده و سفیدار و زبان گنجشک و چنار مشحون ، و متون قطعات کنارش به نهال های انجیر و آلو و انار مقرون . با این که آن اشجار جدید الفرسند همه گرفته و منظم و اغصان و اوراقشان سبز و خرم .

قطعات وسط به انواع ریاحین و آورده گل کاری و درجوه های این قطعات



دائماً آبها جاری ، از گل کورکب و شمعدانی مشتعل و منور و از گل مخملی و بوقلمون مطرز و مصور . آنجا گل ترگس دیده شد و گل مریم بوییده گردید . بعضی قطعات دیگرش سبزی کاری از بقول و تماماً مثمر و مأکول چنان که از بادجاناش مسمی خوردیم و از بیفتک سبب زمینیش فرنگی مایمی کردیم ، از چغندر پخته باغ لب به لبوی ایرانی منشی آلودیم و با سینه های نرم سودای خام از دماغ بیرون نمودیم . انشاء الله از بها و صفارشك گلستان ازم و در روح و هوا مانند انفاس عیسی پور مریم خواهدشدا .

در ضمن تماشای باغ و تفریح دماغ هریک از حضار به ناسبت حال و کار خود صحبت داشتند و آن دم را از اوقات روزگار خود غنیمت پنداشتند . جناب مستطاب وزیر علوم آقای تهندس باغچه بندی و طراحی گل کاری به باغبانان فرمودند و از بساتین فرنگستان و طرز گل کاری پاریس و لندن و انگلیس حکایات با همراهان نمودند . آقای ناظم خلوت از سفر هر ساله زیارت حضرت معصومه (ع) شرحی دادند که در فصل بهار باید مشرف شد و دو شب خوبست در این باغ بمانیم و در قیام لیل در که هوای نصف شب و در سحر خیزی او را و اذکار اطراف طلوع فجر را طلب کنیم .

**حاجی امین دارالضرب از قیمت حالیه و مآلیه بستان و منافع شماریه و بقالیه پائیز و زمستان آن سخنان میراندند و میگفتند که منافع این آثار بهتر آنست که بمصارف فقرای زوار یا به مخارج تعزیه داری نوباوه سید ابرار (ص) مصروف گردد . حاجی ممیز معمر که از ادله قدم و پیش قدمتر سناً از همه بودند تمیز و تخمین مخارج آب و زمین و تعیین مداخل زراعت ارباب و رعیت زمان حالیه و بعد از این رامی نمودند . گاهی ممیزی ائمه اشجار را گوش زد باغبانان کرده تا تعارف انجیر و انار آتیه حاجی از نظرشان محو نشود و گاهی مقومی بقال هر ساله را به خاطرشان انداخته تاحق السکوت حاجی از ذکرشان بلد نرود . چون حاجی رخصت مزاح داده بودند جسارت شد و گرنه جل جناب الحاجی که دامن پاکش به آرایش طمع و خواهش [آلوده] گردد .**

پس از تماشای باغ همه متذکر شدیم که اینگونه واقعات حسنه و اتفاقات مستحسنة، وسعت و نزهت مکان یعنی وقوع علی آباد مقابل ونعم البدل مضیق منزل کویر حوض سلطان که همه ساله قبل از این چندین نفوس حیوان و انسان از اعزترین مسلمانان و وزیرین و مکاربان در آن جاده مشکل از سرما و فرورفتن و ماندن در وحل و گل ، و در منزل از تنگی نان و گاه وجو و نایابی هیزم و آتش در زمستان ، و نیز در آن جاده معضل از گرما و بی آبی و اشتداد عطش در تابستان و هم در منزل چون مرغ نیم بسل از ایدای نا نوای بی حیا و اخلاص بقال قتال و بی حساسی قصاب قلاب و اجحاف علاف با انحراف یعنی از تطاول دست ظلم این کسبه ناپاک بی باک مانند شداد و ضحاک در معرض هلاک می بودند ، این مصداق «مانسخ من آیه اوتسها نأت بخیر منها» نیست مگر از حسن نیت و پاکی طینت و بخت و اقبال با اجلال ظل خداوند تعالی بندگان اعلی حضرت قدر قدرت کیوان مرتبت سلیمان حشمت شاهنشاه عالمیان پناه روح العالمین فداه و مساعی جمیله مرضیه قدسیه جناب اجل اکرم افخم . هماره این دولت و سلطنت تا قیام قیامت پاینده باد برب العباد و لا زال آل زال ما لهم و الحال بالخیر و الاقبال و صبر الله اعدائهم مأخوذاً بالنعکایة و الوبال بمحمد و علی و آل .

اما باغ علیا جدید البناتر و کوچکتر از باغ سفلی در طرف شمال غربی عمارت و ظهر کاروان سرا واقع و اراضی زیاد بایر در اطراف اوست که میتوان دایر نمود و بر او بیفزایند ولی الحال طولش صد ذرع و عرضش پنجاه ذرع. اطراف خیابان و جدولها بدرخت های نوچه مختلفه مفروس و قطعات و سطش به نهال اشجار مشمره مشجر، اما چون از ابتدای احداثش چندی نگذشته هنوز ترقی و نمو معتابهی نداشته لیکن تمام قطعات او الحال سبز و خرم است .

#### معدن سنگ سیاه علی آباد :

دیگر از لواحق علی آباد و متعلقات او معدن سنگی است که اسباب اعتبار و آبادی آنجا شده. این معدن بعد از بنای کاروان سرا و اتمام عمل مهندس الممالک به اهتمامات و تجسسات جناب اجل در اطراف غربی کاروان سرا و عمارت به مسافت



شصت قدم پیدا شده . تمام سنگ‌های سابق‌الذکر که در عمارت و حمام‌ها بکار رفته از این معدن بوده .

اما چگونگی این معدن :

اولاً سنگ او از حیث رنگ سیاه نیست ویشمی رنگ یعنی لاجوردی نه‌سبز . سنگ این معدن قبول ادوات و آلات صناعی حجاری به‌نهایت خوبی و مطلوبی می‌کند بطوری که نه‌رخوه و سست است که بزودی خرده و ورقه شود و نه‌چنان سخت که قبول ادوات صناعت حجاری نکند .

ثانیاً به‌باروت و دیلم و بعضی آلات دیگر قطعات و پارچه‌های سنگ تا دوازده و پانزده ذرع طول بیرون آمده و عرض دو و سه و چهار ذرع، لیکن بواسطه نبودن اسباب جراثقال و بعضی ملزومات حمل و نقل نمی‌توان به‌آن طول و عرض نقل و تحویل نمود . لابد تمام سنگی که بیرون می‌آید می‌کنند و پارچه پارچه و قطعه قطعه چهار و پنج شش ذرع طول، نیم ذرع و سه‌چهارک و یک ذرع و یک ذرع و نیم عرض نموده پس از آن حمل و نقل می‌کنند .

خلاصه این معدن چنان سنگ‌های قابل‌درد که بجهت ستون و بعضی قطعات سنگ‌های بزرگ طویل و عریض که در بعضی عمارات لازم می‌شود عدیل و نظیر ندارد بلکه قابل است سنگ این معدن را به‌ولایات بعیده حمل کنند . هر که عمارت و حمام علی‌آباد را ببیند میدانند که آنچه در تعریف این نوشته‌شده، حرفی [است] از طولوماری و اندک حکایتی از بسیاری .

معدن سنگ سفید علی‌آباد :

دیگر از لواحق و متعلقات علی‌آباد سنگ سفیدی است که در طرف غربی علی‌آباد به‌مسافت ربع فرسخ باز به‌اهتمامات و تشویقات جناب اجل پیدا شده . چگونگی این سنگ توضیحش آنکه از سنگ مشهد که آلات خراطی در او عمل می‌کند بهتر است زیرا که از آن سنگ اندک سخت‌تر ولی قبول خراطی بکمال خوبی و مرغوبی می‌کند . برای امتحان چنان که به‌خراطی از سنگ مشهد بسیاری ظروف و اوعیه می‌سازند از این سنگ هم بتوسط خراطی ظروف زیادی

مثل پیالها و گلدانها و جامها و قلیانها و قهوه خوری و شربت خوری و قلیان و سر قلیان ساخته شد که از سنگ مشهد بهتر از کار در آمد .

علاوه بر این چون بعضی گفتند این سنگ گل چینی است به جهت امتحان چند پارچه از این ظروف خراطی شده را در کوره حدادی و آجرپزی گذاردند تا پخته شده ، بعد از بیرون آوردن دیده شد که لمایی از باطن آن ظروف بسطح ظاهر ظروف بروز نموده بعینه لعاب چینی . ظن متأخم به یقین آن است که همان معدن گل چینی است بواسطه همین لعاب که از خود بروز کرده . **حاجی امین دارالضرب** پارچه ای از آن ظروف به فرنگستان فرستادند که آنجا بعضی امتحانات شود . بعد از آن انشاء الله تعالی کارخانه از آن در طهران بنا کنند که نفعی از برای [دولت] و ملت حاصل گردد و رفع احتیاجی از ملت ایران به خارجه شود .

### معدن گچ علی آباد :

دیگر از لواحق و متعلقات علی آباد معدن گچی است که باز بعد از اتمام بنای کاروان سرا در طرف مشرق علی آباد به مسافت یک میدان به مساعی جناب اجل پیداشده و بجز کاروان سرا تمام اینیه مذکوره سابق از این گچ بنا شده ، و معدن گچی مثل این معدن کمتر دیده شده در سفیدی رنگ و قبول طبخ کوره و نداشتن سنگ .

### کاروان سرا سنگی : مطالعات فرنگی

دیگر از اینیه عتیقه عجیبه و آثار قدیمه غربیه متعلقه به علی آباد علی اختلاف الروایة و الاسناد کاروان سرا سنگی با قلعه سنگی است که در سمت جنوب شرقی به مسافت یک میدان مقابل علی آباد در منتهای نلال و وهاد دامنه کوه داغ واقع شده . این بنای عتیق محاذی دهنه دو پارچه کوه کوتاهی که به آنها اختتام دره ماهور دامنه کوه داغ می شود واقع است در روی تلی بزرگ که اندک مسطح است . پس از این دو پارچه کوه دیگر پستی و بلندی نیست تا مسافت یک فرسخ که منتهی بکویر می شود و کویر متصل به دریاچه ساوه . این يك فرسخ تمام زمینی



است که قابل زراعت و بذر افشانی است .

اما دهنهٔ بین این دو پارچه کوه مخاذی قلعه سنگی مجرای سیلی است که ازدامنهٔ کوه داغ و تلال و وهاد مقابل جاری شده و از این دهنهٔ مذکوره به کویر و دریاچه ریخته میشود . خلاصهٔ تمام کویر و دریاچه تا هرچه امتداد بصر است قریب به ده فرسخ منظر این قلعه یا کاروانسراست .

آنچه در باب این قلعه از قرائن خارجی و داخلی ، اقوال رجال مسن آن نواحی و اطراف مفهوم و مسموع شده این است که این بنا از ابنیهٔ شاپور ذوالاکتاف است و در زمان دولت فاریسیان ساسانیه خط جاده از ری به قم و کاشان و مدتی از زمان دولت عربان اموی و عباسیه تا زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی در کویر نبوده و خط جاده در منتهای دامنهٔ کوه داغ بوده و این کاروانسرای است که منزلگاه و بارانداز قوافل و مکاریان است ، و پر آب بودن دریاچهٔ ساوه را قبل از تولد جناب ختمی مآب (ص) دلیل بر صدق ادعای خود میداشتند که یقین جاده در کویر بواسطهٔ دریاچه بودن محال و غیر ممکن و خط جاده که این کاروانسرا منزل و بارانداز آن است از قدیم الایام از دولت اسلام دایر و بعد هم تا اوائل مائهٔ پنجم که قریب به اواخر دولت عباسیه که فرمانروائی ایران با سلاطین سلاجقه بوده نیز دایر و ممشای خواص و عوام .

تا آن که سلطان سنجر در بند غزان و ترکمانان افتاد ، ایشان سلطان را در قفس آهنین نموده و با خود برداشته آهنگ تاخت و تاز هر طرف می نمودند ، من جمله غزان بتاخت و تاز ری و اصفهان از خراسان حرکت کرده بعد از تاخت و غارت ری قصد اصفهان کردند . غزان منحوس بواسطهٔ همراه بودن سلطان محسوس از طرق و شوارعی که در کوهستان و تلال و وهاد بوده احترازی می کرده اند ، از خوف طالبان سلطان که شاید در تلال و وهاد و جبال کمین کرده و سلطان را از حبس قفس آهنین نجات دهند . چون از این دو منزل خواستند عبور کنند و خط جاده را در تلال و جبال دیدند از کفه و کویر و زمین مسطح عبور نمودند .

معروف است که چون از ری حرکت کردند تا همین نقطه - که کاروان

سرای قدیم حوض سلطان بوده - طی مسافت کردند ، اینجا برای استراحت خود و چهار پایان منزل نمودند . در این نقطه آب نایاب، اگر آبی هم داشتند به مصارف خود رساندند. سلطان محبوس عطشان و از آب مایوس و پریشان، سلطان در آن یخودی و استیلای عطش و خاطر مشوش بضعف و غش بوده، با خود و خدای خود عهد و نذر نمود که اگر از این شداید زمان توانایی و از قید و بند غزان نجات و رهایی یابم در این نقطه حوضی بنا کنم و آب آنرا از این دامنه جاری ساخته که همیشه پر آب و هر عابر و سایر در ذهاب و ایاب از او بهره مند و سیراب گردند. پس از چندی که سلطان از حبس غزاندهایی یافته برای وفای بعهد و نذر باین نواحی سفر نمود ، در این نقطه حوضی ساخت و چند رشته قنات حفر نموده از این دامنه کوه داغ آب جاری کرد و در حوض انداخت .

گویند آن کاروانسرای قدیم حوض سلطان از ابنیه سنجر است. من بعد بجهت بنای حوض و کاروانسرا آن جاده معمور و کاروانیان و مسافران از آن خط عبور و مرور نمودند تا اوایل این سلطنت عظمی که آن منزل بواسطه خرابی مجرای آب و خرابی حوض در تابستانها آب نایاب شده و در نهایت بهمکاریان و مسافران بدمی گذشت و همچنین کاروانسرای قدیم به جهت طول زمان خراب و کثیف که قابل منزل نمودن مسافرین و باراندا از قوافل و عابرین نبوده ، هم از صغر و کم وسعتی و هم از گنجایش و بی فسحتی، **صدر اعظم نوری** برای آسودگی و رفاه عابرین و سایرین از این خط راه حوضی وسیع و کاروانسرای رفیع بنا نمود و هم تعمیری در قنات و مجرای آب کرد بواسطت حاجی علی تاجر ، و در یک فرسخی حوض قلعه رعیتی ساخته شد و وسط مسافتی که از دهنه آن دوتل مذکور قبل است تا حوض، هم برای زراعت و هم برای حفظ مجرای آب بواسطه آبادی. باری قرینه داله دیگر که این کاروانسرا سنگی قبل از این منزل کاروانیان بوده و بنای آن فقط برای منزلگاه شده راهی است محاذی این کاروانسرا در تلال و وهادی که اتصال دارد به ملک الموت دره و رودخانه شور سمت شمال و مشرق کویر و دریاچه ای که اکنون اهالی کناره گرد و قراء آن نواحی از آن



راه به علی آباد و کوشک بهرام و منظر به وقم آمد و شد می کنند و بعضی مکاریان هم از آن جاده عبور نموده و می گویند این جاده دوفرسخ از جاده جدید که مهندس الممالک ساخته و به قلمه محمد علی خان بر خورده و به علی آباد منتهی می شود نزدیک تر است . اگر چه آن جاده صاف تر و بی فراز و شیب تر است ولی بطور یقین تقریباً دوفرسخ دور تر است .

آقا باقر هم مدعی است برای این که این راه محاذی کاروانسرا سنگی با این که در تلال و وهاد، از راه محدث مهندس الممالک نزدیک تر است چون مدتی آقا باقر با کمال دقت آنجاها تجسس و تفتیش نموده و مدعی است که مساحت کرده ام این راه بدوفرسخ شماره ذرع و پیمان نزدیک تر است ، و قبل از این بطور یقین جاده همین راه در تلال و وهاد بوده . و قرینه حسی دیگر بر صدق ادعای آقا باقر آن که در راه محاذی کاروانسرا و دره ماهورها بر سر بعضی تپه های بلند در عرض این راه قواعد بروج مخروبه دیده می شود که به جهت حفظ آن جاده در قرون سالفه بنا کرده اند .

هنگام معاودت جناب اجل و همراهان را از آن راه آورده ، بر همه ثابت شد که این راه ممشا و شارع عام در قدیم الایام بوده و هم نزدیکتر و اقرب به تهنس برای آنکه جاده دولتی باشد، با این که دوسه مورد فراز و شیب تندی دارد که خطر ناک است عبور و مرور کالسه که . ولی آقا باقر مدعی است که این دوسه مورد صعبدا می توان به جزئی اخراجاتی سهل و آسان کرد تا اینکه جاده دولتی که در نهایت معتنا به است هم دفع خلاف تهنس از او شود که مورد تعیب مهندسین دول خارجه نباشد پس از این زحمات بسیار و اخراجات بی شمار، و هم رفع بعد مسافت گردد برای تسهیل عبور و مرور هر پیاده ضعیف و هر سواره قوی که موجب ذکر خیر و دعا گویی است ابد الابدین .

خلاصه با مناسبه بعضی مطالب پیش آمده که لازم بود ذکر و اطلاع دادن آن، والا کلام در چگونگی کاروانسرای علی آباد است . باز گو از نجد و از یاران نجد .

خلاصه قراین مذکوره دال است براین که این بنای مرصوص مخصوص منز لگه عابرین و مسافرین در عرض راهری و قم است که شاپورد و الاکتاف ساخته. اما از جمعی دیگر مسموع شد که از بناهای بهرام گور است در شکارگاه بنا نموده، زیرا که حد فاصل جبال وتلال و کفه و کویر و دریاچه است و عمارت در شکارگاه باید در چنین مواردی سلاطین بنا کنند برای این که جامع همه قسم شکاری باشد. چون بهرام میل مغرطی بصید و شکار داشته بنای این قسم ابنیه در شکارگاهها بسیار گذاشته بخصوص در چنین موقعی که بی مشقت و زحمت هم شکاربری نزدیک هم شکار بحری، هم صید و هادی آماده و مهیا هم صید تلالی و جالی لاتمد ولا تحصی، از مرغان هوا و ماهیان دریا و وحشیان صحرا.

قرینه دیگر آنکه در عرض همین قلعه طرف مغرب نیز قریه ای است معروف بکوشک بهرام که برزخ بین جبال و بر وتلال و بحر است. آنجا آثار غریبه و علامات عجیبه دیده می شود از بناهای عمارات سلطانی که اگر خواسته باشیم کیفیت آن ابنیه را تمام بیان نماییم موجب مورث تطویل کلام خواهد شد. قرینه دیگر آنکه در این قلعه دو خلوت سرپوشیده ساخته شده که وضاً شبیه است به مساکن و منازل بزرگان و سلاطین، و بعید است که در کاروانسرا این وضع محل و منزلی ساخته شود.

اما چگونگی این قلعه یا کاروانسرا وضاً:

درش رو به جانب جنوب باز می شود. مربع متساوی الاضلاع، شصت ذرع در شصت ذرع مشتمل بر هفت برج. چهار برج واقع در چهار زاویه و چهار گوشه، قاعده دوایر هر برجی از خارج چهارده ذرع و دو ذرع از داخل که هر یک شانزده ذرع می شود و سه برج دیگر که در اواسط سه ضلع شرقی و غربی و شمالی واقع است هر یک نصف دایره خارج از ضلع هشت ذرع، و بجای برج وسط ضلع جنوبی در قلعه واقع است.

ارتفاع دیوارها و برجها تا کف بام اطاقهای درون هشت ذرع. ستاره های بام از چهار جانب خراب شده. سردر با حرم طرفین عرضش چهار ذرع



ونیم ارتفاعش هفت ذرع . خود در مخرج ومدخل عرض سه ذرع ارتفاع پنج ذرع . قطر دیوارهای اطراف که چهار ضلع باشد دوزخ قطر دیوارهای اطاقها واصطبلها یک ذرع ونیم .

درون قلعه مشتمل است برسی اطاق، هر ضلع شش اطاق و عقب اطاقهای سه ضلع شرقی وغربی و شمالی سه طویله ممتد بطول آن ضلع و پنج ذرع عرض هر اصطبل و در اصطبل وسط آن ضلع به این طور که سه اطاق یک طرف و سه اطاق واقع در طرف دیگر . اما ضلع جنوبی عقب اطاقها اصطبل ندارد. بجای اصطبل شش اطاق، پستوی اطاقهای طرفین دالان و در خروج و دخول است که در این ضلع جنوبی دوازده اطاق واقع و در دوزاویه این دو ضلع دو خلوت سر پوشیده مشتمل بر چهار شاه نشین و ایوان و عقب هر ایوان اطاقی . حیاط وسط مدور که دوازده ذرع دایره اوست، سقفش نیز مدور بهمین وضع و اندازه ارتفاعش هفت ذرع از وضع این دو خلوت سر پوشیده چنین مفهوم می شود که این قسم عمارت مناسب کاروانسرا نیست و مقوی قول آنها است که می گویند این قلعه عمارت سلطانی است در شکارگاه .

اما استحکام بنیان این قلعه چنان است که اگر چهار عملة بسیار قوی بخواهند یک ذرع مکعب از این دیوارهای قلعه یا اطاقهای درون را در دو ساعت خراب کنند مقدورشان نیست. میرزا نظام آنچه توانسته است خراب کند که مصالح آنرا از گچ و سنگ ببرد برای بنای کاروانسرای جدید در علی آباد ، طاقهای اصطبلها و اطاقها بوده والا نتوانسته است که دیوارها را خراب نماید. چون طاقها بواسطه طول زمان و اثر برف و باران و طبیعتاً سست تر از دیوارها و نازکتر و حجمش کمتر و برف و باران و واردات سماوی در او مؤثرتر بوده از این جهت نتوانسته است خراب کند و الا در بنای دیوارها و جرزها اختلال متعمر بلکه بلا احتمال و قریب المحال. در این بنا آجر کمتر بکار رفته مگر در بعضی سقفها و کنگره بروج و گرنه بقیه با سنگهای لهدار در کمال صافی و نظم و گچ فراوان ساخته شده چنانکه میانه عوام آن نواحی معروف است که این بنای دیواست بواسطه آنکه این قسم بنایی را فوق عمل بنایی انسان می پندارند . و در استحکام

چنان است که گویا تمام این قلعه از گچ و سنگ يك پارچه ریخته شده. مهندس الممالك از بی دقتی که معدن گچ و سنگ به آن نزدیکی را پیدا نکرده و همچنین بنای عتیقی که بودنش اسباب صدگونه اطلاعات و عبرت بوده با هزاران ذممت و مشقت و بهد مسافت خراب کرده و گچ و سنگ او را به علی آباد حمل و نقل نموده آنجا آن گچ مرده را دوباره پخته و کار کرده در عمارت بنای کاروانسرا.

علی ای حال الحال جناب اجل آنچه را مهندس الممالك از آن قلعه خراب نموده امر فرموده اند مهما ممکن بسازند. اکنون بنا و عمله مشغولند ولی محال است مثل اول ساخته شود. جناب اجل آنجا را بنا دارند قلعه رعیت نشین کنند. چند خانوار رعیت داهم آنجا سکنی داده اند.

### برج سنگی قدیم :

دیگر از آثار عتیقه برجی است بر سر تلی مرتفع تر از آن تلی که این کاروانسرا یا قلعه سنگی روی آن نباشد، در عرض همین تل که مسافت آن تا این قلعه سنگی زیاد از صد قدم نیست. با این که قدری از سر این برج خراب شده ارتفاع حالیه آن از دوازده ذرع بیشتر است. استحکام بنا و وضع بنایی شیبه به بنای قلعه از گچ و سنگ غیر تراش ولی در نهایت صافی و استقامت. دایره قاعده این برج شانزده ذرع است. گویا با گچ و سنگ ریخته شده.

تمام کویر و دریاچه و از طرف جنوب و مشرق هر چه به مدبصر در آید و قوه دیدن نظر باشد تا بیست فرسخ که همه سراب ناست منظر این برج است و نیز آنچه نلال و وهاد ملك الموت دره و غیر آنجا آنچه بنظر آید از سر این برج دیده می شود. از طرف شمال شرقی جلگه قلعه محمد علی خانی و کوه های زرند دیده میشود، از طرف مغرب تمام نلال و وهاد دامنه شمالی کوه داغ و کوشک بهرام و کفه بین کوشک بهرام و دریاچه به مد نظر در آمده.

### قنوات سنجری :

دیگر از آثار قدیمه چهار رشته قنات که در دوره طرفین شرقی و غربی قلعه سنگی است. دورشته از آن چهار رشته قنات را جناب اجل مدتی است مبنی



گذارده. ندر آنها کار کرده تا این که الحال تقریباً دو سنگ آبجاری شده. این دورشته در دره سمت غربی قلعه سنگی به بیست قدم فاصله و مسافت آفتابی شده. اکنون این آب و آب قنات علی آباد بزراعت مصروف نیست با این که اراضی قابل زراعت در خارج دهنه مذکور محاذی قلعه سنگی تا یک فرسخ که به اراضی وسخه و کویر و دریاچه می رسد موجود است، الحال تمام این چهار سنگ آب بلاش از دهنه خارج شده باراضی وسخه فرو می رود. جناب اجل انشاء الله بنادارند که از اطراف رعیت و زارع بخوانند و در قلعه سنگی سکئی داده که این آب فراوان را بکار و آن اراضی خارج دهنه را مزارع قرار دهند و همچنین دورشته دیگر از آن چهار رشته را هم که خراب است تعمیر نمایند. بطور یقین پس از تعمیر این دورشته قنات آنجا شش هفت سنگ آب پیدا خواهد کرد و آبادی معتبر معتابیی می شود.

این چهار رشته قنات معروف است همان قنات سنجر است که برای آب حوض سلطان احداث نموده و سدی برای دهنه ساخته و مجرای آب زاروی سد قرار داده اند.

گویا حکمت سد بستن این بوده که لایب مجرای این آب قنات برای بردن به حوض بایست از دهنه باشد و این دهنه بواسطه آنکه مسیل سیل تلال و وحاد مقابل بود هر وقت سیل می آمده مجرای آب قنات را خراب می داشته و مانع آب قنات می شده که در مجرای خود جاری باشد و به حوض رسد، بر آن رفع این مانع این سد رابسته و مجرا را بر روی سد قرار داده و چشمه ها برای سد ساخته که آب سیل از آن چشمه های سد از دهنه خارج شود بدون آنکه ضرری به مجرای آب قنات رساند و مانع از رسیدن آب به حوض باشد و آب سیل هم مستقیماً به اراضی وسخه کویر رفته.

تا اوایل این سلطنت ابد مدت که سد خرابی زیاد پیدا کرده و مجاری آب قنات هم خراب شده به حدی که آب از حوض قطع گشته و همچنین قنات هم بواسطه خرابی کم آب برده، این معنی اسباب دل تنگی و پریشانی عا برین

و مسافرین گردیده . صدر اعظم نوری چنان که ذکر شد بواسطه حاجی علی قاجار هم تعمیری در قنوات و هم مرمتی در این سد و مجاری آب قنوات نموده تا آب باز در این منزل حوض سلطان بازآمده و تجدید کاروانسرای وسیعی و آب انبار دیگر کرده .

الحال اگرچه بدل منزل حوض سلطان، علی آباد نعم البدل شده و عا برین و سایرین از آن منزل و آب آنجا مستغنی شده‌اند لیکن بواسطه بردن آب برای اراضی قابل زراعت خارج از دهته باز این سد محتاج الیه و مرمت حاجی علی غیر مکنی ، چونکه بطور بایست و شایست مرمت نموده الحال خراب است و لازم‌التعمیر . اگرچه بعضی بر آنند که آب رامی توان از دهته خارج نمود بدون وساطت سد ، و سد چندان لازم نیست ولی این ادعا مشکوک‌فیه است تا بعد معلوم شود .

### بنای دریاچه :

دیگر در باب دریاچه ساوه که منظر علی آباد و این قلعه سنگی واقع شده همان کویر حوض سلطان است که قبل از این خشک و جای آن اراضی و سبخشوره و کویر بوده ، و نیز قبل از تولد حضرت ختمی مآب (ص) در زمان دولت پیشدادیان عجم و ضحاکیان عرب و کیانیان و یونانیان و ملوک الطوائف اشکانیان و ساسانیان که آخر دولت طوائف عجمان بوده این مورد و نقطه دریا و پر آب و این کویر امتدادش تا یابانک و جندق و حوالی طیس و لوط زنگی احمد و بلوچستان که منتهی بخاک سنداست و از آنجا به دریای محیط متصل شده قریب به کراچی بندر که از بنادر معروف سند است (۱) . از زمان تولد حضرت رسالت پناه (ص) خشک شده تا شش هفت سال قبل از این که کم کم آبی پیدا نموده تا باین حد که اکنون ذکر می شود :

۱ - این کویر و شوره زار مانند عروق در بدن زمین منشعب شده شعبه‌ای به سمت اصفهان و شعبه‌ای امتداد بطرف فارس و شعبه‌ای بطرف قاین خراسان، لیکن کلیتاً آن امتداد بسمت کرمان و بلوچستان دارد .



آنچه الحال پرآب است دوقره و دوقطعه بنظر می رسد یکی بزرگ و [یکی] کوچک تر ، امتداد هر دو قره از طرف مغرب است به مشرق. آن که بزرگتر است همان است که منظر علی آباد و کوشک نصرت واقع ، تقریباً طرف جنوب شرقی و مشرق این دو نقطه واقع است . عرض این قره و قطعه تقریباً دوفرسخ ، طولش چهار فرسخ ، خط فرضی محیط آن ده فرسخ .

اما قطعه و قره کوچکتر آن طرف مشرق علی آباد محاذی منزل حوض سلطان که تمام کویر و جاده قدیمه را فرو گرفته و نیز مایل بسمت مشرق آنجاست که همان خط کویر و شورده زاریست که امتداد بسمت سمتان و یابانک جندق و طیس و حوالی کرمان و بلوچستان دارد . طول این قره دوفرسخ ، عرضش یکفرسخ که دوره محیطوی زیاده از پنج شش فرسخ نمی شود .

اگرچه بواسطه عدم محاذات و بعد تجدیدش درست نمی شد لیکن آنچه به نظر رسید همین است که عرض شد .

اماعتل و جهت پیدا شدن آب در این کویر سر اسرراب و تشکیل یافتن دریا در این صحرای خشک بی منتهی : اگرچه بعضی حساد عاری از علو و سداد و جهال فاقد عقل و قاد و رجال رجالة فاسد الاعتقاد و اطفال بی تربیت نادیده اوستاد و اغوال ضال نایافته ارشاد که علیل از مرض حسد و بخالت و دلیل از غرض حسد و جهالت ، آنانکه از سراب سرور حسد مغرور و از شراب سرور جسد مسرور و در احلام غفلت مخمور و در ظلام جهالت نایبنا و کور ، با این که بحول الله در حضور بهمت جناب رب الارباب احباب و اصحابند لیکن در غیاب چون کلاب عاویه دندانها گاز و مانند ذباب قاویه زبانها دراز نموده و تشکیل دریا را نسبت به جناب جلیل اجل آقا داده اند که برای طمع حصول تمنا و آمال و وصول به ازدیاد مال و منال صحرا را دریانموده و قطع شوارع و ممشا کرده . سبحان الله ثم سبحان الله . این تهمت است بروی و بردودمان وی .

دور دور از همت والای او      که غرض گردد طمع فرمای او

این نسبت بسیار شیبه به تهمت سفاهتی است که معاندین یثرب و بطحا

بم رسول خدا (ص) و شبیه نسبت سزقتی است که مناقین بی شرم و حیا به علی  
عالی اعلا داده اند. بگردون ان یطفئوا نور الله بافواههم. ولیکن: یا بی الله [الا]  
ان یتم نوره ولو کره المشرکون.

ای (۱) بریده آن لب و حلق و دهان کو کند تف سوی ماه آسمان  
تف بریشش باز گردد بی شکلی تف سوی گردون ندارد مسلکی

باری از این تهمت‌های دروغ و نسبت‌های فزیه بی فروغ تدرفت دیوار  
مرتبتش مثلث و نه وسعت ساحت عزتش کاست و کم. چون از حسد خفاش و خربا  
آفتاب عالم تاب رانقص و وبال بی و از رشک بن و بعوضه باد جهان بیمار اتعویق  
و اخلال کی.

ذم خورشید جهان ذم خود است که دو چشم ناقص است و مر مداست  
تا کی توجه به اراجیف حساد دون؟ تا چند تطف به زخاریف جهال مجنون؟  
فدرهم فی خوضهم یلبون.

این معنی بر همهٔ وزرای دولت و امنای سلطنت و علمای ملت و حکمای با  
تربیت اوضح من الشمس و این من الامس است که جناب اجل بواسطهٔ خدمت  
به دولت و امثال امر اعلی حضرت سلطنت و تسهیل عبور و مرور کافه برای و عامه  
رعایای ملت از خارجه و داخله چندین هزار تومان علاوه بر آنچه از دولت  
اخراجات شده ایشان شخصاً اخراجات نموده اند بلاعوض بدون غرض، نه از  
کسی تشکر خواسته و نه دل به امید جزای احدی بسته، اگر چنانچه حسد حساد  
بقر و عزت سلطانت آنچه را ایشان دارند هر که دارای آن شود عزیز سلطان  
است چنانکه حکما فرموده اند:

من عدم العقل لم یزده السلطان عزاً

ای حساد زاید الجهل ای حاقد فاقد العقل! «گر تو مرد رهی یا و یار»  
و گرنه از این مرحله گذشته و از این مسأله چشم فرو هشته، باید ملاحظه نمود



ومتبه و متفقه (۱) شد که جناب اجل با اینکه از همه وزرای حول مرکز سلطنت اقل سن و اصغر جثه هستند معلوم است که چرا اکبر رتبه و اعظم مرتبه و اکثر منصباً و شغلاً واقع شده، و هم کمتر کسی است از اعظام که از ابتدای سن ایشان واقف به محالان نشان نبوده بلکه کمال احاطه راهریک دارند که از اول عمر با عصمت و عفت تارك مجرمات و مکروهات، عامل واجبات و مستحبات، صاحب برکات و خیرات، معطی زکات و تصدقات، وافی و ناء و احسان کافی بناه و امان، باحمیت و حمایت، باشهامت و کفایت، باحیاء و صفاء، بانوال و کمال، بافضل و فضایل با عقل و عقایل، بارای و رویت با همت و عطیت.

تایمات گر بگویم این کلام صدقیات بگذرد وین ناتمام

باری در ابتدای بنای تغییر جاده جناب اجل را کلیتاً مداخله ای در این عمل نبوده تا اینکه برای رواجش تشکیل دربارا به ایشان نسبت دهند، بلکه این تغییر جاده برورش از مصدر جلال علیحضرت همایونی و ظهور و امتالش از مرحوم امین السلطان جنت مکان شده. از آنجایی که ضمیر منیر علیحضرت شاهنشاهی متقابل بالواح قضا و قدر الهی است واقعات آتیه از لوح محو و اثبات الهیه در آن آئینه جهان نما منعکس و مترائی شده که این بیابان - یعنی کویر حوض سلطان - به حالت اولیه که دریاچه ساوه و پر آب بوده عود خواهد کرد. از برای علاج و تدارک این واقعه حتمیه

و کان امر الله مفعولاً

در ده سال قبل از وقوع از مصدر سلطنت جاده قدیمه ممنوع و در تجدید این جاده بشروع فرمان داده شد. مرحوم مبرور جنت مکان امین السلطان که نیز از مصالح منویه و حکم مخفی و واردات غیبیه و اشارات لاریبیه

قلب السلطان مابین اصبعی الرحمان

یعنی نتایج اوامر علیحضرت ظل الهی اطلاع و آگاهی داشته، همندرا در موافقت و همراهی بر این گماشته که این عزم را محض خیال از مصدر جلال پندارند

و این امر را لازم‌الاتباع و واجب‌الامتثال دانند.

پس از آن مرحوم مرور خود مأمور این امر مزبور شده و در صدور این منظور که تسهیل عبور و مرور مسافرین از نزدیک و دور است از خواص و عوام ابتدا و اقدام نموده، اما بواسطه اجابت داعی « والیه‌المصیر » اتمام آن از ایشان صورت پذیر نشد. ولی چنانکه بنای مسجد اقصی شروع از داد و اختتام آن از سلیمان بود این جاده و ممشانی از آن قدس آشیان ابتدا شده و اختتام و اتمام آن از اهتمامات این قدسی صفات گردیده که اگر چنانچه کشف این معنی در باطن شاهنشاه عالم پناه نمی‌شد و کرامتی در اظهار و وقوعش نمی‌فرمودند اکنون بواسطه قطع این جاده تمام عابری و مسافرین در محذورات و معسورات واقع بودند (۱).

### سبب واقعی تشکیل دریاچه :

اما از روی واقع که حساً ثابت شد با کمال استکشاف و استطلاع : سبب پیداشدن و تشکیل دریا این است که همیشه رودخانه قم و رودخانه شور در فصل تابستان و پاییز خشک می‌شد و آب آنها مقطوع، الحال شش سنه است که آب هیچ یک از این رودخانه‌ها در این دو فصل مقطوع نشده.

و نیز در کویر سدی یا خط جاده‌ای را ساخته بوده‌اند با سنگ به وضع محذب، بجهت عبور عابری و مسافرین در زمستان که کویر گل و آمد و شدمشکل بوده بر آن عبور می‌کرده‌اند و این راه ساخته سدی بوده است برای مجاری این آب‌ها که به‌وامین می‌رفته، آب بطرف شمال که این کویر واقع است میل نمی‌نموده، بواسطه مرورد هور این سد راه عبور خراب شده آب رودخانه‌ها میل به این طرف نموده جمع شده و دریاچه تشکیل یافته.



## دوشنبه هیجدهم صفر :

امشب که شب دوشنبه هیجدهم شهر صفر است بعد از ادای فریض و جواب  
عرایض مردمی که به حاجت آنجا آمده و تشویق و اعطای انعامات اشخاصی  
که آنجا بودند از سرکاران و معماران و ارباب صنایع و حجازان ، در ساعت چهار  
از شب که مهتاب تمام عمارت رافرو گرفته قدری جناب اجل باهمراهان کنار  
دریا قدمز کوره در عمارت شب نشینی نمودند و همه باز متذکر این نعمت عظمی که  
وقوع علی آباد باشد با این همه وسعت و صفا مقابل حوض سلطان و ریاضت عابری  
مسلمانان شدیم . تماماً زیان بدعا گوئی مبدأ و مرجع این نعمت و موهبت گشودیم ،  
یعنی وجود ذی جود مبارک اعلی حضرت قدر قدرت همایونی روح العالمین فداه .

پس از آن صرف شام شده و هر یک در بسترهای راحت آرام گرفته . اول  
طلوع فجر برخاسته بحمام رفته ، بعد از حمام و ادای فریضه و صرف جای یک  
ساعت بعد از طلوع آفتاب امروز که یوم دوشنبه هیجدهم شهر صفر است  
کالسکهها حاضر و آماده ، بزم کوشک نصرت بر راه افتاده .

خط جاده علی آباد تا کوشک نصرت بطرف مغرب ممتد . امتداد مسافت  
راه یک فرسخ و نیم یش نیست لیکن راه بسیار صعب و سخت در تلال و وهاد و فراز  
و شیب زیاد ، واقع در دامنه کوه داغ ، خط جاده از علی آباد تا کوشک نصرت مرمت  
لازم دارد . باید کوه بیری و تسطیح سرازیری شود .

کالسکهها که نیم فرسخ از علی آباد گذشت دلجانی که چند نفر نور کردند  
او بودند شکست . درست کردن آن چون معطلی داشته همه پیاده شده ، کالسکهها را  
گذاشته تا کالسکه چی ها ، دلجانرا ساخته از عقب بر سند ، نورکرها ناها را برداشته  
و بیشتر به کوشک نصرت رفتند .

جناب اجل و جناب وزیر علوم باهمراهان پیاده قدم زده این نیم فرسخ مسافت

تابکوشک نصرت حاجی ممیز صحبت داشته، با این که حضرات همراهان به پیاده روی عادی نبودند به اشتغال صحبت های بامزه شیرین مضحک نمکین حاجی زحمت و مشقت را بر آنها تا به کوشک نصرت ملتفت نشدند. واقعاً صحبت پیران سالخورده خاطر پریشان فرسوده را شادمانی و تن ناتوان خسته و مانده را توانایی است.

### کوشک نصرت :

پس از ورود به مهمانخانه کوشک نصرت ناهار حاضر و مهیا صرف شده، بعد برای انکشاف و اطلاع آنجا و تفحص و تفتیش آن منزل و مأوا قدری مکث نمودند. کوشک نصرت در دامنه کوه داغ واقع. آبادی آن منحصر به یک مهمان خانه. این مهمانخانه را نمی توان نسبت به مهمانخانه کهریزک و حسن آباد داد. از مباشرین سؤال شد که این مهمانخانه باین خوبی و استحکام در بنا چه سبب دارد که برخلاف مهمانخانه های قبل شده؟ گفتند کارهایی که مهندس الممالک در این راه کرد وقتی بود که اعلی حضرت همایونی روح العالمین فداه بسفر مشهد و خراسان تشریف فرما بودند و در کارها اعتنایی نشد، پس از مراجعت از سفر مشهد که جناب اجل خودشان به قم تشریف آوردند بنای مهمانخانه ها را نپسندیدند، این مهمانخانه را خود دستور العمل دادند و آدم مخصوصی را مواظب مهندس الممالک نمودند. به این جهت این مهمانخانه خوب و مستحکم البنا شد که تا حال محتاج تعمیر و مرمتی نشده.

### مهمانخانه کوشک نصرت :

این مهمانخانه وضعاً شبیه به مهمانخانه های قبل. ایوانی طرف صحرا و خارج جلو اطاقها پنج دهنه، دو دهنه راهرو و سه دهنه سه اطاق، اطاق وسط پنج ذرع طول سه ذرع عرض و دو اطاق طرفین کوچکتر، سه اطاق دیگر عقب این سه اطاق رو به حیاط عقب، در سه ضلع دیگر حیاط اصطبل و کالسکه خانه و انبارها برای ذخیره کاه و جو و غیره و آشپزخانه. تمام اطاقهای عمارت فروش مشتمل بصندلی ها و تخت خوابها و پتوها و شمدها، اسباب میز خوراک با ظرفها و کارد چنگالها، با جمیع مایحتاج میز توالت از آفتابه لگن و حوله و صابون و باقی متعلقاتش از آینه های بزرگ و تنگه های بزرگ بلور و حوله ها و ماهوت پاک.



- کنها ، میز تحریر از کاغذ و قلم دان و پاکت بامتعلقات دیگر : يك جلد كلام الله  
- كتاب دعوات - كتاب خواجه شیرازی - كتاب سفید نمره دار رضا نامه  
که هر که وارد شود واقعات خود را نوشته و اگر از مهمانخانه یا از مهماندار و  
عمله و اجزاء شکایت یا رضایت داشته بنویسد .

در کتابچه این مهمانخانه بسیار نوشتهجات از اشخاص مختلفه بود که  
خواندنش خالی از مزه نبود از آن جمله حضرت اشرف اسعدوالاظل السلطان  
بخط مبارک عبارتی نوشته بودند که صورت آنرا بعینه نقل کردم :

« بتاریخ پنجشنبه شهر صفر ۱۳۰۳ بکوشک نصرت آمدم خیلی بانظم و  
ضبط است . خداوند طول عمر بحضرت شاهنشاهی روحی فداه که پدر تاجدار  
من است بدهد ، آمین . عبد (۱) العاصی مسعود قاجار . »

بعضی نوشتهجات دیگر هم دیده شد که ذکر آنها مورت تطویل است .  
دیگر آنکه عمارت مهمانخانه و ایوان او رو بطرف قبله و منظر باصفایی  
از صحرای وسیع و دریاچه مذکوره دارد . اما صحرای وسیع دامنه کوه کوشک  
بهرام که اتصال به کوهستان ساوه دارد در طرف مغرب کوشک نصرت و قبله آن ،  
دریاچه سمت جنوب و مشرق آن واقع ، مقابل عمارت رو بطرف خارج محوطه ای  
است که دیواری اطراف وی با ارتفاع يك ذرع کشیده شده .

این محوطه سی ذرع درجهل ذرع مربع طولانی ، وسط محوطه حوض  
سیمی مدور ، اطرافش باغچههای سبز و خرم غیر مشجر . آب این جا بقدر يك چارک  
زدامنه کوه عقب مهمانخانه جاری . منبع این آب قبل از این چشمه کوچکی  
رده در دامنه کوه داغ ، بعد باخراجات زیاد چند چاه حفر شده تا باین قدر آب  
بدا کرده . از مهمانخانه تا سرچشمه دوست قدم مسافت بیش نیست . قریب بسر  
شبه باغی است مشجر به چند درخت انار که شاهسونان انار باغی میگویندش .

### وجه تسمیه کوشک نصرت :

اما وجه تسمیه این مکان به کوشک نصرت این است که چند سال قبل از

این مرحوم مغفور جنت مکان قدس آشیان امین السلطان - روح الله روحه و نور الله مضجعه - برای تعیین خطوط جاده و مراحل و تبیین نقاط مهمان‌خانه و منازل این نواحی را تجسس و این صحاری و بوادی را تفحص می فرموده اند سیرشان که به اینجا منتهی می شود و این جا را مناسب منزل و مهمان‌خانه می یابند بمناسبت به کوشک بهرام تشریف برده ، آن آثار عتیقه و علایم قدیمه بهرام شاه ساسانی را دیده و این مکان را در عرض کوشک بهرام یافته ، در حال مقننیا را امر می فرمایند به حفر چندپشته چاه که بر آب اولی آن افزوده گردد و همچنین معماران را به بنای مهمان‌خانه واداشته .

تا مقابل بناهای آن پادشاه ساسانی بنایی از این شهنشاہ مسلمانی ساخته و گذاشته شود . با آن بینوت معنوی که غرض بهرام از آن ابنیه، عمارت در شکارگاه و غرض این سلطان با احتشام از این ابنیه ضیافت خواص و عوام در منزل نگاه . نتیجه آن ایدای وحشیان رسته می گناه ، فایده این احیای مسافران خسته می پناه . اثر آن خرافات و مضرات ، ثمر این خیرات و مبرات .

زین بنا تا آن بنا فرقی است ژرف

باری امین السلطان جنت مکان این جا را بمناسبت قرب مکان بسا کوشک بهرام «کوشک نصرت» نام نهاد . چنانچه نام بهرام تا این اعوام و ایام مستدام ، ابدالابدین این نام که مأخوذ از نام نامی و اسم گرامی سلطان این زمان است باقی و پاینده بماند .

\* \* \*

بعد از قدری مکث و صرف قهوه کالسه که چی ها دلجانرا ساخته از عقب رسیدند .

جناب اجل با همراهان در کالسه‌ها روانه منظر به شده . از این جا خط جاده بطرف قبله امتداد یافته تا یک فرسخ و نیم که طی مسافت می شود اندک سرازیر است . طرف یمنای جاده صحرای مسطحی واقع که دامنه کوه کوشک بهرام و کوه‌های ساوه است . طرف یسرای جاده بمناسبتی قبل دریاچه مذکوره واقع .



بهقدر نیم فرسخ دیگر از مسافت این جاده مسطح و پست که مسیل آن صحرای مسطح یمنای جاده است بهطرف دریاچه . بعد از جاده کم کم سر بالا شده آنجا قلّه کوه دماوند را دیدیم .

بهقدر يك فرسخ دیگر که طی مسافت شد خط جاده به دره ماهور منتهی گردید . از کوشک نصرت تا این جا سه فرسخ است . دیگر از این جا دریاچه ناپدید گردید و بعضی کوه های کوتاه طرفین جاده پیداشده . این تلال و جبال از طرف مشرق جاده بسمت جنوب دریاچه کشیده شده و از طرف مغرب بکوه های ساهه منتهی می شود . در این تلال و وهاد چند مورد به بعضی آب های شور رسیدیم بهقدر يك فرسخ در این دره ماهورها طی مسافت شد ، به گردنه جاده منتهی گردید که آنجا گنبد مبارک حضرت معصومه (ع) را از دور زیارت نمودیم . ساسان گردد که منظر یه باشد زیر این گردنه واقع . طرف یسرای خط راه روی این گردنه کوه کوتاهی دیده شد . معدن سنگ قابل حجاری . حجاران آنجا مشغول سنگ بریدن برای پل جدید البنای مقابل پل دلاک . قدری آنجا بکشت کرده ، تماشای قطعات سنگ های عریض قطور نموده . قدری از این جا که گذشتیم کاروانسرای منظر به و مهمان خانه آنجا نمایان شد .

### کاروانسرای منظر یه :

يك ساعت به غروب مانده وارد مهمان خانه شدیم . پس از صرف چای ادای فریضه به تماشای کاروانسرا و ابنیه جدیدة ملحقة بآن رفتیم . واقعا عجب نائمی دیده شد که در این اوان کمتر همچنین ابنیه بنا می شود به این استحکام و سعت ، و به این شکوه و رفعت .

اما چگونگی وضع و بنای کاروانسرا بدین تفصیل است : در کاروانسرا بسمت مشرق باز شده . وضعا تمام کاروانسرا مربع مستطیل . طول صدوسی ذرع ، عرض هشتاد ذرع . درون و برون مشتمل بر هفتاد و پنج حجره ، بلعین جنوبی و شمالی هر يك يك حجره سهدری در وسط و شش اطاق يك دری رقی و شش دیگر در طرف دیگر که ضلعین متضمن بیست و شش حجره ، اما ضلع

غربی يك اطاق سه‌دري وسط و پنج اطاق يك‌دري طرفی و پنج ديگر در طرف ديگر ، كه اين ضلع متضمن يازده حجره . و همچنين ضلع شرقی وسط‌دالان و ده اطاق در دو طرف آن و در خود دالان چهار حجره مقارن يكدیگر . ديگر دو خلوت در دوازده ضلع مغربی نباشده كه هر يك مشتمل بر چهار اطاق مسكن و متعلقاتی كه محتاج به خارج نيست مثل يك دست خانه كه دو خانوار بتوانند آنجا گذران كنند . ديگر عقب اطاق‌های ضلع جنوبی و شمالی اصطبل‌های طويل و عريض با اطاق‌نماهای بار انداز كاروانيان در زمستان ، و همچنين از بيرون كاروانسرا طرفين در خروج و دخول در هر طرفی پنج اطاق واقع رو بسمت مشرق .

و مشتمل است اين كاروانسرا برشش برج كه چهار از آن مساوی با هم كاروانسرا و دو برجی كه در دو گوشه و زاویه ضلع مشرقی است هر يك بلندتر از كف با هم به دو ذرع كه باعث جلوۀ جلو كاروانسرا شده و به قدر بيست ذرع دو ضلع كه يکی شمالی و ديگری جنوبی از اين دو برج بلند جلو امتداد يافته ، ما بين اين دو ضلع يك جلو خان وسيعی جلو در كاروانسرا احداث شده كه نیز بر حسن جلو كاروانسرا و سردر افزوده .

اما اين دو ضلع طرفين شمالی و جنوبی مشتمل است اول بيك طاق نماي عريض مرتفع كه مانند درگاه وسيع مرتفعی است كه هر كلسكه بزرگی و شتر سواری می تواند آمد و شد كند . اين دو درگاه متصل به دو برج قرينه يك ديگر . بقیه ضلع جنوبی بعد از درگاه بزرگ دكا كين نانوايي و بقالی و علافی و قهوه‌خانه بسیار بزرگی خوش وضع كه جلو آن باغچه بندی شده در نهايت صفا واقع ، و بقیه ضلع شمالی بعد از درگاه متصل بـرـج چند انبار ذخيره كاه و جو و لوازم عابرين ، و در منتهای اين ضلع قرينه و مقابل قهوه‌خانه آن ضلع مسجدی نباشده . اما كيفيت بنا و بنايي كاروانسرا : از بنیان و پي با سنگهای غير تراش طبیعی

و مدار با گچ بسیار ساخته شده تازير سقفهای اطاق‌ها و طوليله‌ها از پس كار، ولی پيش كار و سقف‌ها تمام با آجر و گچ در كمال استحکام .

ديگر از متعلقات كاروانسرا آب انباری مقابل قهوه‌خانه به مسافت پنجاه



قدم طرف مشرق بنا شده ، وضعاٌ مدور چهارده ذرع در چهار ذرع که دایره دور  
چهل و دو ذرع می شود . عمق آن پنج ذرع . کف بام آن مسطح که آنجا نیز  
مسجدی است .

### مهمانخانه منظریه :

اما مهمانخانه این منزل رو بسمت جنوب واقع . از ایوان و اطاق و حیاط  
عقب ، از اصطبل و کالسکه خانه و انبارها و آشپزخانه وضعاٌ مثل مهمانخانه های  
قبل ولی باینایی با استحکام و از حیث اسباب مهمانخانه با تمام افزوش و میز  
و صندلی و تخت خواب و رخت خواب و پتوها و شمدها و ظروف و اسباب قهوه خانه  
و آبدار خانه و اسباب اصطبل و کالسکه خانه و غیره منظم و مہیا و آماده . و جلو  
عمارت رو به جنوب حوضی مدور ، سه ذرع و نیم در سه ذرع و نیم . اطراف حوض  
باغچه بندی غیر مشجر و منظم ولی گل کاری و سبز و خرم .

اما آب منظریه الحال زیاده از پنج سیر نیست . این آب از قناتی است  
واقع در دامنه کوه شمالی این جا یعنی گردنه ای که تپه سلام بود ، زیر همان کوه  
سنگی که جاده آنجا امتداد داشت . از ابتدای پشته های چاه های قنات تا آنجا  
که آب آفتابی می شود دوست و پنجاه ذرع مسافت می شود . این چند پشته چاه  
قدیمی است و مخروبه از زمان قبل که این جا « ساسان گرد » و باین اسم خوانده  
می شده و آباد بوده ، بادو آبادی دیگر که نیز [به] همین اسم مسمی بوده اند که دو  
آبادی (۱) از آن سمت غربی جاده و دیگری طرف شرقی جاده واقع . اما اکنون  
جناب اجل از دو جانب ابتدای این قنات مقنی گذارده اند و پشته های جدید خشت  
کار حفر می کنند زیرا که از باب خیره و مقنیان از این دو خط احتمال کلی و امید  
آب فراوان دارند بلکه ملترزم و داوطلب شده اند که بزودی انشاء الله تعالی دو  
سنگ آب جاری کرده تا تهیه زراعتی شود .

امشب که شب سه شنبه فوزه هم است از تماشای کاروانسرا و قنات و  
باقی اینه و عمارات به مهمانخانه معاودت شد . بعد از ادای نماز جناب اجل باز

از باب حوائجی که اینجا اظهار مطالب خود را در هر باب نموده جواب فرموده، هر يك از بنا و معمار و عمله و سرکار و مقنی و حجار را رسیدگی، و تشویقات و اعطای خلعت و انعامات شده.

### ورود آقا باقر و وضع او :

ناگاه آقا باقر از سر بل معجلاً مستقبلاً وارد. وضع و هیأت ظاهر و چگونگی برزخ و صورت آقا باقر :

موی سروریش از بی حمامی و بی خضایی سفید، رنگ روی از تابشات و حرارت آفتابی سیاه همچون عیب، از بی اصلاحی و بی اعتنایی مانند کبکهای الوار که کیلویه و خونین اترک قشقای، شلوار شلخته سرداری کهنه گیوه بغل دریده و یخه پیراهن پاره و چرک و چکنه، از عرق و گرد و غبار صحاری و بر سر از بی سامانی و پریشانی اگر اورا کسی نمی شناخت می پنداشت عمله قمی است یا بنای کاشانی. بوضع و هیأتی و ترکیب و صورتی که به تحریر و تقریر نمی آید. از او سؤال شد این چه وضع و هیأت و چه کسوت و صورت است با وجود قرب آبادی و مهیا بودن اسباب و توانایی اصلاح از هر باب؟ جواب گفت نوکر مأمور در حین مأموریت معذور کسوت فاخر و زینت ظاهر، نوکر صداقت باطن و مواظبت او امر است. انشاء الله بعد از اتمام خدمت مخلف بخلعت التفات و مزین بزینت مناصب و علو درجات خواهم شد.

دراول ملاقات جناب اجل با فرمودند: آیا قدغن کرده ای کسی از قم با استقبال نباید یانه؟ عرض کرد: مخصوصاً چند سوار امروز صبح مأمور شد که در دروازه مواظبت کنند و نگذارند يك نفر با استقبال آید که موجب کلال و ملال باشد. بعد از آن قدری از شب به شب نشینی گذشته و هر يك به مناسبت صحبتی داشته، در ضمن متذکر دعا گوئی وجود ذی جود اعلی حضرت شاهنشاه عالمیان پناه روح العالمین فداه بودیم که در او ان این دولت کیوان رفت و زمان این سلطنت کیهان وسعت آن منزل پل دلاک پر خس و خاشاک و کاروانسری تنگ و کثیف ناپاک که همیشه از کمی غلات و نایابی ماکولات و آب شور و بقال قنال باژمانلوی



فمرودی پرزور، وعسرت مناخ و مرحل کاروانان و عدم فسحت منام و منزل مسافران و زواران، تمام سواران عابر در اشکال وهمه پیادگان سایر در اضمحلال، مبدل به چنین منزل وسیع و مامن رفیع مثل این کاروانسرا و آب گوارا و وفور کاه و جو و نان و اقسام ادام فراوان گردیده. خداوند جهان جانما و جان همه اهالی ایران را بقران خاک پای مبارکش گرداند.

### واقعه درویش :

بعد از ختم کلام احضار شام شد. ناگاه منتظماً از خسار جهمان خانه گفتگویی و در آبدار خانه هیاهویی مسموع که کسی بداد خواهی و پناه - جویی آمده و از حضرات قراسورانها ممنوع است. جناب اجل امر با حضارش فرمودند.

چون وارد شد دیدیم جوان مردی یزدی بشیوه و شیمه درویشان، در احوال سراسیمه و پریشان، با اضطراب و التهاب بسیار از روی عجز و انکسار اظهار داشت که امروز در عرض راه کوشک نصرت و منظریه بعد از آمدن شما که هر یک از قرا را اطعام بطعامی و مستفیض بفیض و انعامی فرمودید پنج شش نفر از قلندران او باش و بی باوسران نباش و نره گدایان کلاش و رندان پابند گسته قلاش و غولان از کار گریخته ناتراشیده ناخراس، که الحال بصورت و کسوت درویش و بالمآل و حقیقت کلاه بر و کیسه بر و شارب حشیش، الدنگان بی شرم و حیا و بنگان سراپا خطا، . . . (۱)، بنگیان بینگ مفتون و افوریان مبهوت از افیون، ملبس بلباس و کسوت درویشان و بی خبر از طریق و حالت ایشان، و مصور بصورت سیاحان و بی اثر از سیر و سیاحت آنان، این لاتان بی باک و لوطیان سینه چاک، این قماربازان پاک باخته و . . . (۲) خراب بلباس اولیاء خود در ساخته پناه باین دو کسوت و عنوان آورده تا این که حامل هر ممنوع و منکری که باشند و فاعل هر خطیته و سیئه ای که گردند هم از تحذیر شرعی امام مصون و هم از تأدیب عرفی

۱ - دو جمله حذف شد.

۲ - دو کلمه حذف شد.

حاکم عرف مأمون بوده . از حضرت عبدالعظیم با این گدما نشان لئیم و تبعه شیطان رجیم و منحرفان از طریقه مستقیم همراه وهم قدم وهم صحبت وهمدم شدیم . در ضمن مصاحبت و مراقبت در این طی زمان ومدت و قطع مسافت از حضرت عبدالعظیم تا کوشک نرسرت از بعضی مکالمات و علامات و برخی حکایات و روایات من استنباط و درایت کردند که پول دارم و دارای درهم و دینارم . اما آقا جان چه درمی و چه دیناری ؟ در مدت مدیدی وعهد بعیدی که از یزد تا طهران باحالت پریشان فلوس فلوس از افراد نفوس و یک پول یک پول از هر ظلوم و جهول ، اما در طهران قران قران از هریاور و سلطان و شاهی شاهی در سر هر خبا بان و راهی بتکدی و اصرار و تعدی و خرگدایی ، به بی آزرمی و بی حیایی جمع و خود را از خرج و خوردنش منع کردم تا آن که مبلغ و مقدار و شمار درهم و دینار بعد از تب و رنج بسیار هشتاد قران یعنی هشت تومان شد . این وجه را برای سفر زیارت کربلا گذاشته و خود را از خرج کردنش بزحمت و ریاضت واداشته ، زیر وصله خرقة پنهان ووصلات دیگر بر آن دوخته ، در دل بر از دیداش لایلا و نهاراً آتش افروخته و برای صیانت و حراستش خفاء و جهاداً دلق تن را سوخته .

این وجهی را که بوجه مذکور و بوصف مستور بدست آورده بودم این ظالمان بی مروت و این کافران بی ایمان بی ملت امروز از چنگم در آوردند به این وضع که یک نفر مرشد و مطلوب و بقیه مرید و طالب ، یک نفر آمر و حاکم و بقیه مأمور و محکوم، پس از آن مرا گرفتند و در این وادی دوزخ آبادی نزد مرشد پیا داشتند و در موقوف پیرمانند اسیر رشته ای برگردنم گذاشتند . یکی بنا درویشی به گواهییم ایستاد - دیگری شهادت بر بی پیری و بی راهیم داده ، یکی گفت دزد راه درویشان است - دیگری گفت بناحق خورنده لقمه ایشان است ، یکی گفت غول است دست درویش بر سرش نرسیده - دیگری گفت مجهول است پرو مرشد ندیده ، یکی گفت باید چست و برهنه اش نمود - دیگری گفت باید داغ آهش فرمود ، یکی گفت منافق است سنگ بر سرش سوار باید کرد - دیگری گفت خطا کار است به گیسو آویخته بایدش بدازد . عاقبت الامر مرشد متمسک



به حدیث نبوی شده که «اقتل المودى قبل اذائه» (۱)، مریدان متشبث بشعرخواجه شیرازی شده که :

پیش درویشان بود خونت مباح      گرسازی مال خود در ره سیل  
پس از آن مرشد با مریدان متفق بر کشتن من شدند . کاردی را صیقل زده  
آماده و بندی بردست و پایم نهاده ، من چون مرغ بسمل دل بکشته شدن در داده،  
یکی از آن میان وساطت کرده که آنچه مال فقرا نزد اوست تسلیم می کند چون  
گذشت شیوه فقرا است و غفو و بخشش شیمه آنها است مرشد از او گذشت کند.  
من از بیم جان و ایمنی از دست آن ظالمان و جهرای ایشان نشان داده پول را از  
خرقه بیرون آورده مرا رها کردند . اینک هر پنج شش نفر در کاروان سراج حاضر  
و شاد گرفتند حق من از آنها قادر .

فی الفور جناب اجل امر به احضار آن طراران فرمودند . بزودی چهار  
نفر از آنها را حاضر نمودند . یکی از آنها در قدیم الایام قاطرچی بوده، همان  
وقت که فهمیده بود درویش یزدی خدمت جناب اجل برای عرض حال رفته فرار  
نموده ، هر چه تفحص و تجسس کردند او را نیافتند . از قراری که نشانی دادند  
شخص قاطرچی از رانده های قاطرخانه بوده که چند سنه قبل جناب اجل او را  
اخراج از قاطرخانه فرموده بودند ولی چون جناب اجل از شرارت و طراری و  
دزدی او متلع بودند بسیار مبالغه در تجسس او کردند که شاید پیدا شود او  
را بکفر و سزا برسانند .

### محاكمه در اویش :

باری در استنطاق، آن چهار نفر بعدی عجز و زبان بازی کردند که از برای  
حضار شبهه پیدا شد که شاید درویش عارض کاذب باشد در ادعا . جناب اجل  
که مظہر اسم «یاستار» و مصداق حدیث قدسی «یا غوث الاعظم اکن رائفاعلی  
البریه» اند و از رحمت رحمانی که جلی و غریزی ایشان است مصمم شدند که  
دراویش را رها نمایند و ترحمی در حق جوان عارض فرموده ، قصه را کوتاه

کنند، جناب مستطاب وزیر علوم که مظهر اسم «یا جبار» که بمعنی تلافی کننده است و متحقق بمصدق «ولتعرّفهم فی لحن القول» بودند فرمودند: درویش عارض مظلوم و صادق در ادعا و آن نادر و ایشان خاطی ظالم و عامل مدعا. آقا باقر که مظهر اسم «یا قاهر» و در شناسایی غولان یا بانی و طراران و عیاران صحرا بی و کوهستانی ماهر، از جناب اجل استدعا نمود که رفع غائله را بمن واگذار فرمایند تا صدق و کذب را معلوم و احقاق حق را از ظالم برای مظلوم نمایم. جناب اجل با وواگذار فرموده، شام حاضر شد.

بعد از صرف شام هنوز قهوه صرف نشده، که آمدند و گفتند پول درویش از پیش آن نادر و ایشان در آمد. کیفیت حال را از آقا باقر سئوال نمودند. عرض کرد: حضرات را بدست قراسورانها دادم و در ضمن آنها را به اندک تعذیب و زجر امر کردم. قراسورانها به اندک فشار آنها را باقرار آوردند که پول زیر تل سرگینی که در فلان طویله کاروانسرا است مخفی کرده ایم. قراسورانها پول را بعینه بیرون آورده، اینک پول را حاضر هر چه امر فرمایند عملی شود. درویش صاحب پول را حاضر کردند، وجه وی را به او رد کرده، جناب مستطاب وزیر علوم دو تومان بر مبلغ پول درویش افزودند و جناب اجل مأموری همراه این بیچاره فرمودند که او را به قم رساند و به زیارت عتبات معشرف شود. آقا باقر خواست آن نادر و ایشان را بکیفر و سزا رساند، چون آنها پناه بکسوت درویشان برده بودند اذیت آنها را شوم و مذموم دانستند. چند سوار مأمور شد که آنها را از خاک قم اخراج نمایند. *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
بعد از صرف قهوه در بسترهای راحت غنودیم.



## سه‌شنبه نوزدهم صفر :

صبح اول طلوع فجر برخاسته ادای فریضه نمودیم . جای صرف شده ، کالسکه‌ها حاضر گردید . در کالسکه‌ها نشسته به راه افتادیم .

خط جاده امروز یوم سه‌شنبه نوزدهم بطرف جنوب امتداد دارد . بقدر نیم فرسخ شن‌زار و سرازیر ، بقدر يك فرسخ مسطح و کویر . در این يك فرسخ همه جا آقا باقر سنگ‌های قوی از يك فرسنگ و نیمی باز کرده و همان جا مهای پای کار نموده و بناها و عملجات مشغول بودند بسنگ‌چینی راه ، و این يك فرسنگ را بعرض دودرع سنگ فرش نموده بوضع خیابان بواسطه رفع اشکال و سختی گل‌زمستان . در حقیقت این نوع تهیه و تدارک آماده برای راه‌سازی و بنایی و تعمیر جاده کمتر دیده می‌شود ، از آمادگی مصالح کار و استعداد سرکار ، با اینکه این سنگ از يك فرسخ و نیمی باید آماده شود و این قسم بنا و عمل حاضر . و اقامه همه این‌ها را از مواظبت و درست‌کاری آقا باقر یائیم که عکس عزم و شئون خیالیه جناب اجل بود که مساعی و اهتمامات ایشان است که از آقا باقر ظاهر شده . بعد از آن با خود گفتم :

این همه آوازه‌ها از شه بود  
 گرچه از حلقوم عبدالله بود  
 تا آنکه بمسرپل جدید البنا رسیدیم . دیدیم تقریباً سیصد نفر عمله و بنا و سنگ‌کش و شن‌کش و گچ‌پز و معمار و سرکار ، میرزا و محاسب از مغایر و مناسب ، هریک بر سرکار خود استوار . دکا کین نانوائی و بقالی و علافی و قهوه‌خانه ، بی‌دکان‌داری و غل‌غش بهانه ، اتمه لازمه این جمعیت مذکور را ازداد و صاف بمنصه ظهور آورده و هیچ يك را برای معیشت مهمل و معطل و مهجور نگذاشته . چندین چادر قلندری برای بنا و سرکار و چندین آفتاب‌گردان و ناهارخوری برای

محاسب و معمار. دستگاه آقا باقرمشتل به چادرهای فاخر و پیشگاه قاهر باهرش برای هر بنای دغل و عمله تیل و معمار باغش و سرکار مشوش عذاب الیم و نار جحیم. وضع منظمی و عزم محکمی در آن بیابان مشاهده شد که کمتر در آبادی و شهرستان دیده می شود.

خلاصه پل را قریب الانعام یافتیم. دو نلک روی پل شن ریزی شده مشغول به نلک دیگر بودند. نصف دست انداز پل از طرفین تمام کرده: بناها و حجارها اشتغال بنصف دیگر داشتند. اگر چه چگونگی و وضع این پل چندان مغایر با وضع آن پل مسوق الذکر نیست ولی لازم است بجهت اطلاع باز مفصلاً چگونگی بنای این پل ذکر شود:

طول این پل از ابتدا تا انتها سیصد ذرع از شمال به قبله و جنوب امتداد یافته مشتمل است به پنج دهنه و چشمه. عرض دهنه وسطه ذرع و چهار دهنه طرفین عرض هر يك هشت ذرع، ارتفاع دهنه وسط یازده ذرع طول دهنهها نه ذرع، يك ذرع و نیم سکوی پیش بند و يك ذرع و نیم سکوی پس بند. این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند معین تاجایی است که سنگ کار شده.

اما پیش بند که جلو آب است از حد سنگ کاری بیابا تا يك ذرع و نیم با آجر درجه درجه کم شده بوضع مخروطی که بيك نیمه آجر منتهی می شود. پی کف چشمهها و پایدها پنج ذرع تا کف دهنه که آب جاری است و پایدها از کف تا دو ذرع و نیم از بالا از تخته سنگ های هزاره سه ذرعی و سه ذرع و نیم و دو ذرعی و دو ذرع و نیم طول، و يك ذرع و نیم و يك ذرع و سه چارک عرض حجاری شده صاف ساخته شده. عرض پایدها شش ذرع، طول پایدها دوازده ذرع که تمام دور هر پایه سی و شش ذرع است و از حد سنگ کاری تا سقف و خود سقفها با آجر قالب بزرگ و گچ نباشد.

اما سقف را دو مرتبه بنا کرده اند برای استحکام که در واقع دو سقف زده شده. عرض روی پل نه ذرع، دست انداز سه چارک ارتفاع دارد از پارچه های سنگ حجاری شده محذب. دیگر طرف غربی پل که جلو آب است طرفین جنوبی



وشمالی رودخانه از ابتدا و منتهای پل دومشایه بنا شده دودزرع عرض و پنج ذرع طول . پی این دومشایه محاذی پی پایه‌ها و کف دهنه‌های پل که چهارذرع است است تا کف رودخانه. ارتفاع این دومشایه دودزرع از کف رودخانه بلندتر. این دومشایه بنای او از پارچه سنگ‌های سه‌ذرع و دودزرع و نیم و دودزرع طول، یک ذرع و نیم یک‌ذرع و سه‌چارک عرض که در منتهای این دومشایه پنج‌ذرع طول دو برج قرینه یک‌دیگر بنا شده با ارتفاع شش‌ذرع. این دومشایه بمنزله دومهار است برای طرفین پنج‌دهنه پل. بجز قدری شن‌ریزی و سنگ‌بست معبر روی پل و قدری از این دومشایه و برجین باقی مانده که عما قریب با تمام می‌رسد .

دیگر هشت میل سنگی دودزرع طول که چهار از آن دو میل بر مبتدای دو دست انداز طرفین پل و دو میل بر منتهای دودست انداز طرفین پل منصوب، و چهار دیگر بالای دست انداز وسط پل محاذی دو پایه وسط مقارن یکدیگر منصوب . وقوع این هشت میل مقارن اسباب مزید شکوه پل گردیده .

در بین تماشای پل که جناب اجل با همراهان صحبت میداشتند نه بصورت خاطری ، نه به تفکر شاعری ، نه به نجوم است و نه رمل و نه حساب، پل بالبداهه و وحی حق - والله اعلم بالصواب - بخاطر انور جناب اجل مستطاب در آن‌حین ماده تاریخ بنای پل چنین رسیده که :

پی تاریخ آن گفته است قدسی پل شاهی صراطاً مستقیماً

بعد از آن یکی از نبایر مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام، میرزا صادق نام که شاعری و الامقام و صاحب طبع سلیم و ذوق مستقیم است برای فردی که هم چندجوهر فرد بوده افراد دیگر مانند کرد کرد مرد افزوده ، فی القور خطاطان باهر و حجاجان منبت‌کار ماهر بر لوحی از سنگ مرمر که مصفا تر از فطرت عاشقان مجرد دل از کف داده و منور تر از طلعت شاهدان مجرد ساده ، مشغول بکتب و نقر آن شدند که آن‌ماده تاریخ قدسی ظهور مسطور و منقور بر لوح الی یوم یفخ فی الصور بماند و بر آن پل نصب نمایند ، و نام نامی سلطان امین بالصراحه و تخلص گرامی امین السلطان بالکنایه ابدالابدین باقی باشد ، و این بنائی که برای هر

عابری «و یهدیک صراطاً مستقیماً» و به جهت هرزایی «الم نجعل الارض مهاداً» و نیت بانی در بنا «لا اربد منکم جزاء» و لاشکوراً «و فطرت ساعی درسی» انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» ست مشهود تمام خواص و عوام در شهور و عوام آتیه خواهد گردید و مورث ذکر خیر اهالی بلاد مغرب و مشرق از موافق و منافع بل تمام عباد الی یوم المیعاد خواهد شد.

\* \* \*

امروز که یوم [سه] شنبه نوزدهم است در دستگاه آقا باقرخان نهار رنگینی صرف شده. جناب وزیر علوم در نهایت اظهار تعجب از این بنای پل می نمودند که بعد از پل خاجوی اصفهان که از ابنیه سنجر و پل شهر شسترکه معروف به معماری قیصر است با استحکام بنا و دوام و بقاء، بنائی مستحکم تر از این پل نمی-شود. این آثار است که در این دولت ابد مدت و او ان سلطنت کیوان رفعت اعلی حضرت همایونی روح العالمین فداه بنا گذاشته شده که باعث آسودگی و رفاه عابری از مشرق به مغرب و از مغرب به مشرق است در این خطراه.

پس از نهار همگی مراسم دعا گوئی را بتقدیم رسانده، بعد از صرف قهوه برخاستیم. جناب اجل تمام بنا و عمله و سرکاران را بفراخور مراتب انعام داده و لساناً همرا تحسین و تشویق نمودند. یک ساعت بعد از ظهر کالسکه ها حاضر شده براه افتادیم. خط جاده به جانب جنوب امتداد داشت. قدری راه در تلال و وهاد واقع بود و قدری در زمین مسطح. آنجا که تلال و وهاد بود کالسکه ها را از خارج راه راندند. معلوم شد که باز مهندس در راه سازی اشتباه نموده.

از سربل تا شهر قم مسافت راه سه فرسخ بیش نیست. در یک فرسخی شهر قهوه خانه و دکان بقالی بود. آنجا مکثی کردیم. فریضتین ظهر و عصر بعمل آمد. روانه شهر شدیم.

دو ساعت بغروب مانده وارد مهمان خانه قم شدیم. این مهمان خانه در خارج شهر طرف شمال غربی رودخانه واقع است. آنجا چای صرف شده، بجهت



غسل زیارت به حمام متولی باشی - که در خارج شهر است و در عرض مهمان خانه - رفتیم . از حمام بیرون آمده از پل عبور نموده وارد دروازه شده ، از کوچه کنار رودخانه وارد صحن دارالشفاء و مدرسه فیضیه شده ، داخل صحن قدیم شدیم و به ایوان مبارک و حرم مطهر مشرف شدیم .

پس از زیارت و اعمال مخصوصه و ادای فرائض بیرون آمدیم و وارد مقبره مرحومه مغفوره والده جناب اجل شدیم . فاتحه خوانده ، متولی باشی و آقا حسین مجتهد و تمام اعیان قم حاضر بودند . آنجا بجهت دوام عمر و دولت اعلی حضرت همایونی روح العالمین فداه ذکر مصیبت جناب خامس آل عبا (ع) شده . بعد از ذکر مصیبت جناب اجل و جناب وزیر علوم باهریک از اعیان تلافی و دلجویی و مهربانی بفرآخور حال نمودند .

در ساعت سه از شب از مقبره برخاستیم و معاودت به مهمانخانه کرده ، جناب اجل از مقبره تامهمانخانه بوضع مخفی ابذال و انعام در حق سادات و قرا نمودند . چون وارد مهمانخانه شدیم بعد از قدری شب نشینی صرف شام شده در بسترهای استراحت غنودیم .

اما این مهمانخانه اگرچه از حیث بنا او هنر من بیت التکبوت است ولی از جهت وضع بسیار خوب و مرغوب . عمارت او مشتمل است بر فوقانی و تحتانی .

اما تحتانی متضمن شش اطاق . دو اطاق وسط پنج ذرع طول ، سه ذرع و نیم عرض ، و دو راهرو طرفین عرضاً یک ذرع و نیم . چهار اطاق طرفین دو راهرو طولاً سه ذرع و نیم و عرضاً دو ذرع و نیم . ایوان جلو این عمارت بطول سه اطاق طرف خارج و دو راهرو که رودخانه منظر این طرف عمارت است و بمشرق تقریباً واقع . و در مقابل حوضی مدور و باغچه چهل ذرع در چهل ذرع مشجر مقابل حوض و ایوان که اطرافش چوب بست است ، و شش ذرع عرض حیاط و دو اذرع طول ، و حوض مدور در وسط آن واقع . و سه اطاق دیگر در ظهر این سه اطاق ایواندار است .

امام‌عمرات فوقانی مشتمل بر شش اطاق بالاخانه باندازه اطاق‌های ظهر

عمارت تحتانی ، و در جلو مهتابی وسیعی که منظر آن رودخانه و تمام شهر قم .

اسباب مهمان‌خانه در کمال نظم ، مفصل تر از اسباب‌های مهمان‌خانه‌های دیگر .

و حیاطی وسیع در ظهر عمارت که نیز مشتمل بر آشپزخانه و اصطبل و کالسکه

خانه‌ها و انبارها .



شیراز، مشهد، تبریز، اصفهان، تهران، کتایب و مطالعات فرهنگی

زنگنه طبع علوم انسانی



## چند حاشیه

## سفر قم :

در روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ذیل وقایع سال ۱۳۰۴ آمده است  
(ص ۴۶۴ - ۴۶۵ چاپ دوم) :

«شنبه ۱۷ صفر - امروز امین السلطان قم رفتند. مخیر الدوله، ناظم خلوت  
و ملیجک راهم بردند» .

«یکشنبه ۲ ربیع الاول - همراهان امین السلطان که قم رفته بودند وارد شدند.  
خودشان و رامین رفته اند» .

حاجی کر بلائی دلق امین السلطان بوده که وصف او در همان کتاب :  
۱۹۲ و ۴۶۳ (همان چاپ، و ۲۱۳ و ۵۰۲ چاپ نخست) آمده است .

## حمام علی آباد :

بالای سردر این حمام که بقایای ویرانه آن تا یکی دو سال پیش باقی بود  
سنگ نبشته ای مرمرین بود که اکنون برداشته و در گوشه حیاط مهمانخانه علی آباد  
نهاده اند. چنین است متن این سنگ :

به عهد ناصر دین قهرمان آتش و آب

که کرد سطوت و قهرش ضمان آتش و آب

خدیو خطه ایران و مهتر ملکان

که گشته خاک درش حکمران آتش و آب

جناب اشرف امجد امین سلطان خواست

به روی خاک نماید قران آتش و آب

ز صخره‌های متین کرد حصن‌های حصین

گرفته همچو سلیمان عنان آتش و آب

به کاخ خاک هوا را گرفت و کرد اسیر

نمود زنده ز نو استخوان آتش و آب

ز اعتدال حساش نبود کس نشیند

که باد و خاک شود توأمان آتش و آب

چو او ز عنصر فضلش چهار فصل نمود

ز جسم خاک و هوا وز روان آتش و آب

بساخت پایه و سقف و بنای این حمام

که همچو تیغ ملک شد جهان آتش و آب

چو کرد همت وی این نگار زین بنیان

به سطح خاک زمین آسمان آتش و آب

شد از ترانه پروانه شمع تا ریخش

نموده جمع از این در میان آتش و آب

در ترنج‌های میان ایات هفتم نادم :

«به سعی و اهتمام / مقرب الحضرت آقا میرزا حسنعلی / اتمام پذیرفت

۱۳۰۴ / میرزا آقا» .

آقا باقر : *شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

آقا باقر سعدالسلطنه حاکم قزوین و زنجان و مدیر راه اهدائی امین

السلطان به‌قم که از نزدیکان او نیز بوده است . در گذشته ۱۳۲۵ و مدفون در قم

(بنگرید به روزنامه خاطرات : ۵۶۱ چاپ دوم، شرح زندگانی من مستوفی ۱ :

۳۸۹ چاپ دوم ، سفرنامه قم افضل‌الملک : ۴۳ ، راهنمای قم : ۱۰۴) .

**میرزا صادق پروانه :**

میرزا صادق پروانه فرزند میرزا معصوم فرزند میرزا عیسی سیدالوزراء قائم

مقام بزرگ از سرابندگان و منشیان خوب دوره ناصری . سرگذشت او را در



المآثر والاثار: ۲۱۷، سفرنامه قم افضل الملك: ۵۹، المدایح المعتمده (ش ۹-ب مخطوطات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، فهرست آن: ۱۰۱) و ذریعه ۱۵۸:۹ و دیگر مصادری که در فرهنگ سخنوران: ۱۰۳ یاد شده است ببینید. او بامین السلطان خویشاوندی داشته و ماده تاریخها و اشعار و کتبه‌های صحن نو آستانه قم - که از بناهای همین وزیر است - نیز همه از اوست. ازدیوان اشعار او يك یادونسخه در کتابخانه ملی هست (نسخه‌های خطی ۶: ۱۷۷ / فهرست کتابخانه ملی ۲: ۴۰۰ / فهرست منزوی ۳: ۲۲۵۷ و ۴: ۳۲۶۸، ۳۲۷۰).

ادیب الممالک فراهانی سراینده خوب و مشهور نیمه نخستین قرن حاضر نواده اوست.

### علی آباد:

در سفرنامه قم افضل الملك (نسخه شماره ۶۹۷ کتابخانه مجلس شورای ملی) که اخیراً در تهران چاپ شده و هنوز انتشار نیافته است وصفی درباره بنای علی آباد هست که به نقل آن مبادرت می‌رود:

«سابقاً مردم از روی استهزا به یکدیگر در باب علی آباد اصفهان می‌گفتند که: «فلان خیال کرده است که علی آباد هم شهر است» اما حالا در باب این علی آباد می‌توان گفت که اینجا از شهر هم برتر و بهتر است، چه عمارات خوبی که در اینجا بنا شده است و چه آبیهای صافی و حوضهای بزرگ سنگی و چه آب‌افشارها و چه فواره‌ها و چه سنگ‌خوب و چه باغها و ستون‌های سنگی و حمام عالی و منظرها و ایوانهای سنگی حجاری شده در اینجا دیده می‌شود که نظیر آنها در شهرهای ایران کمتر است. دهی است آباد که لم یخلق مثلها فی البلاد در شأن آن است. دارای باغ بزرگ دولتی و چند خانوار رعیت است. مهمانخانه بسیار خوبی دارد که تمام آن از سنگ‌های صاف ساخته شده است. قریب دو سنگ آب از میان مهمانخانه عبور می‌کند. کاروانسرای محکم جدیدی در آنجا است که بسیار عالی است. در سمت دست راست جاده که طرف مهمانخانه است

فضای وسیع مرتفعی را از سنگ فرش کرده و وسط آن را استخری ساخته اند که علی‌الاتصال يك سنگ ونیم آب از آن جاری است و این آب در باغ مقابل مهمان‌خانه می‌ریزد.

این باغ اگرچه جدید است، لیکن اکثر از درختانش به‌میوه رسیده است. پشت مهمان‌خانه نیز باغ دیگری احداث شده است که تمام درختانش میوه است و لایق قطع آب‌جاری دارد.

اجاره این باغات و کاروانسرا و حمام و غیرها در عرض سال هزار و چهار صد تومان است و این ده و باغ و عمارات کلاً متعلق به حضرت مستطاب اشرف افخم آقامیرزا علی‌اصغر خان وزیر اعظم دامت شوکت است که همت در آبادی اینجا گماشتند.

اینجا در سابق آب باریکی داشت و به قیمت نازلی اتباع شد. بندگان حضرت اجل موافقتی در این کار فرموده، آب بسیاری ظاهر شد و از کثرت میمنت و اقبال در نیم فرسنگی این مکان جایی را شکافتند معدن سنگی ظاهر شد که خود آن معدن نهایت امتیاز را دارد. ستون‌های ده ذرعی بیرون می‌آید. سنگ‌هایی که از آنجا بیرون می‌آید يك تخته هموار و صاف است که حجاری چندان لازم ندارد. مثلاً صفحه سنگی بیرون می‌آید که از حیث طول و عرض بیست و پنج و شش ذرع با قطر نیم ذرع است. طوری صاف است که يك روز يك نفر سنگ تراش می‌تواند پست و بلندی‌های آن را صاف کند که دیگر حجاری لازم نداشته باشد. بواسطه این معدن هر چه طاق و صفا و عمارت و سکو و حمام و اطاق و منازل مسافری ساخته شده است تمام از سنگ است. ناظرین از طرز عمارات اینجا به حیرت می‌افتند. و نیز معدن خاک‌کی در این جا است که تازگی از آن ظروف چینی می‌سازند. چینی آن خوب است، رنگ خوبی دارد، ظروف آن قابل مجالس بزرگ است. علی‌آباد هم جزو گوگ‌داغ است. از آثار خبری و نظری چنین معلوم می‌شود که راه قدیم و جاده سابق ازری به قم و اصفهان از همین جاده بوده است که علی‌آباد جزو منازل این راه محسوب می‌شده است و سابقاً این منزل معروف به



کاروانسرا سنگی بوده است و اکنون هم اثر آن باقی است و صاحب معجم البلدان در لغت **گردشیر** - با کاف فارسی - می نویسد که «گردشیر قلعه معتبری داشته است و در وسط راه قم واقع بوده است» .

ما به قریه «کوشک بهرام» که هم منزلی بالاتر از اینجا است و از اسامی قدیمه است می توانیم بگوییم که «گردشیر» همین علی آباد بوده است و مسافرین قم و ری در اینجا منزل می کرده اند . و بهترین دلیل که برای جاده بودن علی آباد به قم به دست آمده است این است که بالای کوهی که مشرف به کاروانسرای قدیم علی آباد است آثار برجی است که از سنگ و گچ ساخته شده و روی آن برج به طرف کویر حوض سلطان واقع شده است . چنین معلوم می شود که این برج از برای مستحفظین و دیده بانان این جاده ساخته شده است با آنکه شبها در آنجا آتش می افروختند که اگر در شب کسی راه را گم کند و داخل بحیره سابق و کویر شود بواسطه روشنایی سر برج به بی راهی نیفتاده، به طرف کاروانسرای قدیم علی آباد حرکت کند . این نیز دلیل بر این است که از اینجا راه عبور و مرور قوافل بوده است .

البته دهی که اکنون آنهمه آب دارد یقیناً مالکین و متمدنین سلف نمی گذاشته اند که چنین استعدادی در زیر زمین بماند و قلعه در آنجا ساخته نشود. بدون تردید سابقاً راه از همین جا بوده و بواسطه انقلابات زمان و تغییر و تبدیل پادشاهان و فتنه های چنگیزی و غیره آبادی های این راه معدوم شده و راه مسدود گشته و بعدها باز جاده را تغییر داده اند ، و راه را به طرف کویر خشک و حوض سلطان که از ابنیه سلطان سنجر است قرار داده اند . و اکنون چند سال است که از بند ساوه آبی به جاده کویر و حوض سلطان افتاده ، دوباره دریاچه تشکیل یافت و بواسطه اهمات حضرت مستطاب اشرف وزیر اعظم دامت شوکه راه ری و قم از طرف علی آباد واقع شد . حقیقتاً آثار قدیمه را احیاء کردند .

و بانی آبادی علی آباد و تجدید جاده به این طرف مرحوم مغفور آقا محمد ابراهیم امین السلطان اول طاب ثراه بود که در سنه هزار و دویست و نود و هشت

شروع به ساختن راه قدیم قم شده و آثار کهنه و منازل قدیمه این راه را تجدید نمودند، در تسطیح جاده و مرمت راه همت گماشتند. و در این موقع که علی آباد نام دارد حضر قناتی علی حده نمودند و به اسم فرزند خودشان حضرت مستطاب اشرف میرزا علی اصغر خان امین السلطان ثانی وزیر اعظم دامت شوکت موسوم ساختند. ولی عمر ایشان آنقدر باقی نماند که این طرح خود را به اتمام رسانند و در هزار و سیصد هجری وفات کردند.

بعد از فوت آن مرحوم ولد امجدشان حضرت مستطاب اشرف امین - السلطان وزیر اعظم دامت شوکت خواستند نام پدر را بجا و رسم او را احیاء فرمایند، لهذا به آبادی علی آباد و احمدآباد و کوشک نصرت و سایر منازل و مهمانخانه‌ها که در سر هر چهار فرسخ این راه است همت گماشتند و راه را شوسه کردند و از برای مسافرین درشکه و کالسکه و تریگا و دلیجان و ترماس و فورقان که آلات سواری است ترتیب دادند که مسافرین آنها را کرایه کرده بسهولت از طهران به طرف قم بروند و در مهمانخانه‌ها منزل کنند از حمل بار و بیه و اسباب سفر آسوده شوند. در هر مهمانخانه که وارد شوند از سماور و اسباب و میز و فرش و تشک و لحاف و غیرها مستغنی باشند. جمیع این اشیاء اکنون هم در مهمانخانه‌ها موجود است.

و ایجاد این راه و تشکیل مهمانخانه‌های راه قم و تعیین آلت‌های سواری از طهران تا قم در اواخر سنه هزار و سیصد و یک هجری واقع شد و در آن سنه یک لایحه برای راه شوسه قم و تکلیف مسافرین نوشته شده، بطور اعلان در دیوارهای طهران چسبیدند. صورت آن لایحه در یکی از سفرنامه‌هایی که در راه کلار - دشت نوشته‌اند ضبط است.